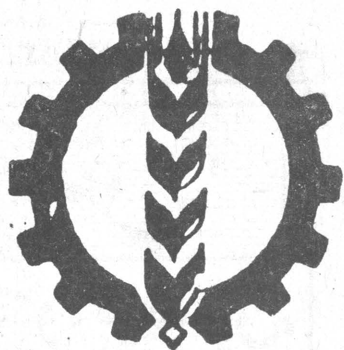


حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

دوشنبه ۱۳ حوت ۱۳۶٤
March 3, 1986
سال ششم شماره ۱۵۶
شماره مسلسل ۱۳۶۸
سال تاسیس ۱۳۵۹

بیست و هفتمین کنگرهٔ ح.ک.ا.ش

مسکو، کریملین، کاخ کنگره ها

طوریکه خواننده‌گان روزنامه اطلاع دارند در جلسه مورخ اول مارچ بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی بحث پیرامون گزارش سیاسی کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش، ادامه داشت.

اکنون گزارش این جلسه را نشر می کنیم.

ایگوا گرباچف کارگردان درام تیاتر اکادمیکی دولتی شهر لیننگراد در بیانیه اش که در کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار داشت گفت: کار هنرمند تنها بخاطر استقرار موازین عالی اخلاقی و بخاطر عقیده خلل نا پذیر به مردم و وطن خود به شکوهمندی عقاید بشر دوستانه دارای مفهوم است هنر باید در تماشا گرنه تنها احساس های نیکوکاری و واقعیت را برانگیزد بلکه باید آنرا بخاطر مبارزه جهت انجام آنها فعالا ترغیب نماید.

مبارزه مجدانه ای که در جامعه شوروی بر ضد هرنوع فساد بی تفاوتی و فقدان عضویت براه معنویت براه اندا خته است اکنون دامنه آن جهت یافتن قهرمانیکه باوضع ذکر شده آشتی نا پذیر باشد پهن ترشده میرود.

آثار زیادی که نشان دهنده سیمای این گونه قهرمان میباشد بوجود آمده است.

کنستانتین پتروف عضو با سابقه و معدنچی ولایت وروشیلوف گراد از تریبون کنگره رهبران تعدادی از وزارتخانه ها را برای بی توجهی نسبت به تسهیل کار معدنچیان انتقاد کرد.

او بنام کمونستهای نسل بزرگتر پشتیبانی قاطع خود را از مشی پلینوم اپریل سال ۱۹۸۵ کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی اظهار نموده وگفت: برای ما روح خط مشی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی قابل درک است ما مبارزین فعال برای اجرای آن در زندگی خواهیم بود.

وسیلو لود موراخو فسکی رئیس کمیته دولتی زراعتی و صنعتی اتحاد شوروی ارگان جدیدی که در پایان سال ۱۹۸۵ ایجاد گردیده اعلان داشت که وظایف عمده زحمتکشان مجتمع زراعتی و صنعتی عبارت از افزایش تولید غله جات، گوشت ودیگر مواد غذایی میباشد. وی تصریح کرد که باوجود پیروزی های معین که در تحقق برنامه غذایی به دست آمده هنوز پسمانی در کشاورزی جبران نشده است. موراخو فسکی ضمن توضیح عوامل وضعی که بمیان آمده گفت که در برخی از محلات به بی سرو سامانی راه داده شده و تقاضا از کارمندان کاهش یافته است.

موراخو فسکی همچون نماینده گان دیگر به کنگره پیشنهاد کرد تا متن جدید برنامه حزب کمونست اتحاد شوروی وکار کمیسیون در امر تدارک مسوده این متن جدید را مورد تائید قرار دهند.

بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحادشوروی در مورد اختتام بررسی گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب و گزارش کمیسیون تفتیش مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی تصامیمی اتخاذ کرد رفیق ایگور لیگاچوف به نمایندگی از کمیسیون تدارک مسوده قطعنامه در مورد گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی متن جدید برنامه حزب و تعدیلات در اساسنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی که توسط کنگره تشکیل گردیده صحبت نمود.

نمایندگان به اتفاق آراء مشی سیاسی و اجراآت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، نتیجه گیری و وظایف مندرجه گزارش سیاسی کمیته مرکزی را تایید کردند.

همچنان قطعنامهٔ راپیرامون گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی تصویب نمودند.

سپس الکساندر یاکو لیف به نمایندگی از آن کمیسیون در مورد متن جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی به پیشنهاد کمیسیون حرف زد. کنگره ازمتن جدید برنامه حزب کمونیست اتحادشوروی به اتفاق آراء تایید بعمل آورده ومصوبه مربوط رابه تصویب رسانید.

گیورگی رزاوموفسکی به نمایندگی ازآن کمیسیون در موردمسا له تعدیلات در

(ص ۲)



رفیق ببرک کارمل هنگام صحبت در کنفرانس مطبوعاتی.

تاس - باختر - تیلی فوتو

اتحاد شوروی مبارز پیگیر راه صلح واستقلال خلقها

اشتراك رفیق ببرك کارمل در کنفرانس مطبوعاتی درمسکو

رفیق ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان که برای شرکت در ۲۷ مین کنگرهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو بسر میبرد پریروز طی یك کنفرانس مطبوعاتی که درمرکز مطبوعاتی ۲۷مین کنگرهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی دایر شده بود، گفت:

از زمان انقلاب اکتوبر تاکنون زمانی که ۲۷مین کنگرهٔ حزب کمونیست اتحادشوروی دایر است تمام بشریت دریافته و دیده اند که اتحاد شوروی مبارز پیگیر راه صلح و استقلال خلقها بوده است.

رفیق ببرك کارمل گفت: حکومت شوروی همیشه طرفدار رهایی خلقهای جهان از یوغ استثمار بخاطر ترقی کشور ها در راه دموکراسی وترقی اجتماعی بوده است.

رفیق ببرك کارمل علاوه کرد: معاهدهٔ دوستی تاریخی بین افغانستان و روسیهٔ شوروی ٦۵ سال قبل به امضاء رسید. دوستی ما با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر درخشش تازه یافت. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر برای ما افغانها مانند خورشید آزادی می درخشد، این دوستی بعد از انقلاب ثور به مرحلهٔ عالی برادری ارتقاء یافته است.

علی الرغم جنگ اعلام ناشده. خلق زحمتکش افغانستان تحت رهبری یگانه نیروی میهن پرست کشور یعنی حزب دموکراتیك خلق افغانستان طی سالهای قبل به پیروزیهای چشمگیری در عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نایل شده اند. طی این سالها صفوف حزب ده بار افزایش یافته است. فعالیت های حزب از حمایت کارگران، دهقانان و اهالی کشور برخوردار میباشد.

سیستم جدید سیاسی ایکه بعد از انقلاب بمیان آمده است بصورت موثری عمل میکند.

لویه جرگه و جرگه عالی قبایل از رژیم انقلابی و سیاست داخلی و خارجی حزب ما قاطعانه پشتیبانی نمودند.

لویه جرگهٔ ج.د.ا. که نمایندگان آن از طرف همه اتباع کشور انتخاب شده بودند در فضای کاملا دموکراتیك برگزار گردید. جرگه عالی قبایل نیز در همچو فضای آزاد و دموکراتیك تدویر یافت.

رفیق ببرك کارمل علاوه کرد: سیاست خارجی جمهوری دموکراتیك افغانستان سیاست صلح است، ما دلایل فراوانی درین زمینه داریم. تنها در شرایط صلح است که امکان ایجاد یك جامعهٔ دموکراتیك و خوشبختی خلق میسر شده میتواند. ولی نیرو های امپریالیستی در برابر ما سیاست تجاوزکارانهٔ رابه پیش میبرند آنها بشریت را به پرتگاه جنگ هستوی قرار میدهند این وظیفهٔ بین المللی ما ست که در هرگوشهٔ جهان برای صلح مبارزه کنیم.

رفیق ببرك کارمل گفت: همین نیرو های امپریالیزم و ارتجاع امنیت کشور ما را مورد تهدید قرار میدهند. تعجب انگیز است که حلقات حاکمه پاکستان از سیاست کوتاه نظرانهٔ در برابر ما پیروی میکنند.

پاکستان با شرکت در جنگ اعلام ناشده علیه ج.د.ا، به قربانی سیاست تجاوزکارانهٔ ایالات متحدهٔ امریکا علیه کشور ما مبدل شده است. ایران از سیاست خصمانه در برابر انقلاب ما پیروی میکند با تاسف عمیق چین سوسیالیستی هم سیاست کوتاه اندیشانهٔ رادر برابر مردم افغانستان در پیش گرفته است.

رفیق ببرك کارمل علاوه کرد: بایدهمهٔ مادرجستجوی راههای باشیم که مارا بسوی تفاهم متقابل رهنمون شود.

اوضاع اطراف افغانستان تنها میتواند از طریق مذاکرات سیاسی حل شود.

رفیق ببرك کارمل گفت: در جریان این مذاکرات ما حاضر هستیم از خود انعطاف نشان دهیم.

رفیق ببرك کارمل افزود: اما با آنهایی که در خدمت سی.آی.ای قرار دارند کشتار جمعی را در قلمرو کشور ما سازمان میدهند، مردم ما را تحقیر و توهین میکنند و فابریکه ها، مکاتب، شفاخانه ها و منازل رابخاك یکسان میسازند به هیچ نوع سازشی حاضر نیستیم.

ولی آنهایی که به اساس فریب در صف ضد انقلابیون قرار گرفته اند، موضوع کاملا دیگر است. با چنین اشخاص راه مصالحه باز است. طی دوسه ماه اخیردر حدود سی هزار نفر که قبلا باباند های ضد انقلاب رابطه داشتند سلاح خودرا بزمین گذاشتند وبه دولت انقلابی پیوستند.

باختر

م. س. گرباچف

گزارش سیاسی

کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش

به کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی

انتشار یافت

گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که توسط رفیق م.س.گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی ح.ك.ا.ش، بتاریخ ۲۵ فبروری در بیست وهفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ارائه گردید و به مثابه سند مهم سیاسی مورد توجه افکار عامه جهان، بشریت مترقی و همچنان خلق کشور ما قرار گرفت، بشکل یك رساله به زبان دری از طرف روزنامه حقیقت انقلاب ثور ارگان کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، در مطبعه دولتی دیروز انتشار یافت.

گزارش سیاسی

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که توسط رفیق م.س.گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی ح.ك.ا.ش. در بیست وهفتمین کنگره ح.ك.ا.ش. ارائه گردید، نشر آن درین شماره آغاز میگردد. (ص ۳)

ادامهٔ گزارش درشماره‌آینده نشرمیگردد.

انفاذ مقرره‌ها

بعد از منظوری رفیق ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان مقرره معاش سر بازان ، خورد ضابطان قطعه ومحصلین (طلاب) قوای مسلح جمهوری دموکراتیك افغانستان اخیراً در شماره (۵۹۷) جریده رسمی نشر گردیده است .

همچنان بعد از منظوری رفیق سلطانعلی کشتمند رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیك افغانستان مقرره اداره زراعت واصلاحات ارضی ولایت، مقرره شعبات حقوقی ادارات و موسسات جمهوری دموکراتیك افغانستان واساسنامه تصدی نساجی بلخ در شماره های (۵۹۷ و ۵۹۸) جریده رسمی نشر شده است .

باختر

ارسال پیام تسلیت

از طرف رفیق انا هیتاراتبزاد رئیس سازمان صلح، همبستگی و دوستی جمهوری دموکراتیك افغانستان پیام تسلیت بمناسبت ترور اولاف پالمی صدراعظم سویدن و رهبر حزب‌سوسیال دموکرات سویدن عنوانی رئیس انجمن دوستی سویدن ـ افغانستان به این‌شرح‌ارسال شده‌است:

اروایدروند برگ رئیس انجمن دوستی سویدن ـ افغانستان ! باتأثر عمیق خبرترور جنایتکارانه اولاف پالمی صدراعظم سویدن ورهبر حزب سوسیال دموکرات سویدن رادریافت نمودیم .

اولاف پالمی به مثابهٔ شخصیت مترقی و صلحدوست سویدن در طول حیات خویش با فعالیت های سازنده توانست گام های مثمری در جهت تحکیم صلح وامنیت بین‌المللی بردارد ، تلاشهای مثمر وخستگی ناپذیر وی در عرصه امنیت بین المللی به طور جاویدان در خاطرات جهانیان منجمله مردم افغانستان ثبت خواهد بود .

به نمایندگی از سازمان صلح، همبستگی و دوستی جمهوری دموکراتیك افغانستان و فعالین انجمن دوستی افغانستان ـ سویدن تسلیت و همدردی عمیق‌خویش را بمناسبت این ضایعه بزرگ به انجمن دوستی سویدن ـ افغانستان و همه مردم صلحدوست‌سویدن‌ابراز میدارم .

باختر

تدویر سیمینار

به پیشواز آغاز سال تعلیمی۱۳٦۵دیروز سیمیناری از طرف کمیته حزبی شهر کابل با شرکت آمرین ، استادان ومسوولین مکاتب شهر کابل در تالار لیسه امانی دایر گردید .

در گزارشی که طی این سیمینار توسط عبدا لصمد ـ قیومی وزیرتعلیم‌وتربیه‌ج.د.ا، ارائه‌گردیدتذکررفته است که بعد ازپیروزی انقلاب شکوهمند ثورتعلیم‌وتربیه رشدوانکشاف نموده وسیستم‌جدیدتعلیم وتربیه در جمهوری دموکراتیك افغانستان توسعه پیدا کرده است ،چنانچه در سال جاری اضافه از دو صدو نودو دو هزار متعلم شامل پسر ودختر درسی لیسه۹ متوسطه و۹۸ مکتب ابتدا ئیه مشغول تحصیل بودند که‌امور تدریسی آنها را ۹۹۵۱ معلم ذکور واناث به عهده داشتند در حالیکه در سال ۱۳٦۳ تعداد مجموعی شاگردان به ۲۵۰ هزار نفر میرسید به همین منوال تعداد جدید ـ الشمولان‌سال۱۳٦۳(۲۸٦۲٤) نفر بود در حالیکه در سال جاری به ۳۸۲۰۰ نفر ارتقاء پیدا کرد .

در ختم سیمینار رفیق ظهور رزمجو عضو علی‌البدل بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ومنشی کمیته حزبی شهر کابل کار سیمینار را ارزیابی نموده .

باختر

انتخابات در هلمند

بتاسی از فرمان هیات رئیسهٔ شورای انقلابی ج.د.ا، انتخابات نمایندگان مردم در دو حوزه انتخاباتی ناحیهٔ اول وقلعهٔ کهنه شهر لشکر گاه مرکز ولایت هلمند دیروز با قرائت آیاتی چند از کلام الله مجید آغاز گردید .

طبق گزارش از شهر لشکر گاه جاده های شهر لشکرگاه چراغان گردیده و با بیرقهای حزبی و دولتی، فوتو های رفیق ببرك کارمل منشی عمومی کمیته‌مرکزی ح.د.خ.ا. ورئیس شورای‌انقلابی ج.د.ا. مزین گردیده بود همچنان حوزه های انتخاباتی با شاخه های پخته، محصولات‌زراعتی نمونه های تولیدات و صنایع، تابلو های از دست آورد های انقلاب تزئین گردیده و مردم زحمتکش شهر لشکر گاه با ابراز احساسات وطن‌پرستانه وانقلابی‌درحوزه های‌انتخاباتی در صحن چمن ریاست عمومی وادی هلمند و قلعهٔ کهنه شرکت ورزیدند .

در کار انتخابات، رؤسای جلسات حوزه های انتخاباتی ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی‌صحبت‌نموده‌وخلص‌سوانح‌کاندیدانرا قرائت نمودند.

مردم حصهٔ غربی جادهٔ ارغنداب، حصهٔ غربی جادهٔ خیبر وجادهٔ هلمند در حوزهٔ چمن ریاست عمومی و مردم قلعهٔ کهنه و فامیلی های عقب فابریکهٔ تصدی بست و حجاری ونجاری در حوزهٔ قلعهٔ کهنه در بارهٔ هرکاندید آزادانه نظر دادند وباشرکت فعال ووطنپرستانه شان در این انتخابات مجموعاً سی و سه تن نمایندهٔ با صلا حیت خویش را در فضای کاملاآزاد ودموکراتیك انتخاب نمودند .

رفیق نجم الدین کاویانی مسوول شعبه تشکیلات‌کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. ومسوولین حزبی و دولتی ولایت هلمند در حوزه های انتخابا تی شرکت ورزیده ودربارهٔاهمیت انتخابات‌همه‌جانبه‌صحبت‌کردند

بمناسبت آغاز انتخابات در آنولایت رادیوی محلی هلمند پروگرام های فوق العاده به نشر سپرده و همچنان جریده هلمند شماره های فوق العاده را چاپ وتوزیع نمود .

باختر

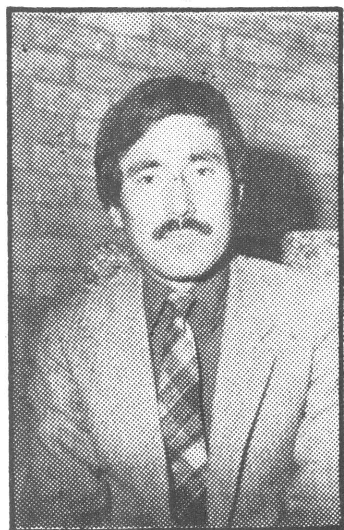
۲۷مین کنگرهٔ ح.ك.ا.ش

دیدگاههای افغانها

رویداد با اهمیت

پوهنیار عبد القادر استاد پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل:

بیست و هفتمین کنگرهٔ حزب کمونیست اتحادشوروی زمانی تدویر یافت که خلق آزاده کشور ما از شصتو ـ پنجمین سالگرد معاهدهٔ دوستی افغان ـ شوروی



منعقده ۲۸فبروری سال ۱۹۲۱ با غرور و سر بلندی جشن میگیرند .

دوستی میان خلقهای مادارای ریشه های عمیق تاریخی بوده این دوستی متکی به اصل همزیستی مسالمت آمیز ، روز بروز نضج گرفته و از محک آزمون زمان موفقانه بیرون آمده است . زنده گی بما می آموزاند و پر وسهٔ هفت ساله انقلاب مابه‌اثبات میرساند که بدون کمك هایی دوست صدیق مردم افغانستان اتحاد شوروی بزرگ استقلال ، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور مادرمعرض خطر جدی‌تجاوزات امپریالیزم در راس امپریالیزم ایالات متحده امریکا قرار میداشت ، نسلهای آینده جامعه‌شگوفان ما خاطرات کمك هایی بموقع و برادرانه اتحاد شوروی بزرگ را درراه حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور شان فراموش نخواهند کرد زیرا با بدو پیروزی انقلاب شکوهمند ثور کشور و انقلاب ما آماج تجاوزات بیشرمانه ارتجاع وامپریالیزم قرار گرفت وارتجاع و امپریالیزم با صدورباندیت ها و ضد انقلاب تجهیز شده‌با سلاح های مرگبارمیخواستند پروسه انقلاب ما را سدکنند.

ولی اتحاد شوروی بزرگ بخواست حکومت مستقل وآزادج.د.ا.،مطابق‌به ماده۵۱ منشور ملل متحد انقلاب‌ومردم ما را جهت دفع و طرد تجاوزات سریع و اشکار خارجی یاری رسانید،خلقهای افغانستان انقلابی ونسلهای آینده جامعه ما مدیون کمك های بموقع و همه جانبه اتحاد شوروی بزرگ خواهد بود چنانچه رفیق ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا، در رابطه بدوستی افغان ـ شوروی‌در یکی از بیانیه های شان‌اشاره نموده گفتند « سالها وقرنها خواهد گذشت ، مردم افغانستان جامعهٔ نوین و عادلانه را اعمار خواهند کرد ولی همیشه و همیشه سپاسگذار اتحاد شوروی بزرگ خواهند بود . »

مردم کشور ما نقش کشور بزرگ شوراها را در امر اعمار جامعهٔ شگوفان فراموش نخواهند کرد و همچنان انسانهای سیاره مابه مساعی کشور بزرگ شوراهادرجهت تامین صلح وامنیت بین‌المللی ارج خواهند گذاشت . بیست وهفتمین کنگره‌حزب‌کمونیست اتحاد شوروی بار دیگرصدای صلح را بگوش ملیونها انسان سیاره مارسانید ، تریبیون کنگره‌حزب‌کمونیست اتحاد شوروی به تریبیون صلح در جهان‌مبدل گردید.

تصامیم و فیصله های بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی‌در جهت محو کامل سلاح های مرگبار جمعی و رهایی سیاره ما از جنگ تباهکن ستاره‌گان بار دیگر در قلوب انسانها سیاره ما جاگرفت .

موضوعات طرف بحث کنگره تصامیم و فیصله های آن یکبار دیگر این حقیقت را به اثبات می رسانند که‌حزب کمونیست اتحاد شوروی مدافع صدیق داعیه‌صلح در جهان است .

تکیه‌گاه مطمئن صلح

فضل الرحمن محصل سال اول پوهنځی الکترو میخانیك انستیتوت پولی‌تخنیك کابل:

کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی که درین روزها بکار خویش ادامه میدهد مبرمترین مسایل جهان ، یعنی‌مساله‌سرنوشت‌بشریت را مورد بحث قرار داده و تصامیم لازم اتخاذ میکند .

در کار این کنگره همه در اندیشه همین مسله اند، که صلح حفظ گردد و انسانهادرسعادت‌زنده‌گی‌کنند. وتمدن بشری نابود نگردد.

اتحاد شوروی کبیرتکیه‌گاه مطمئن صلح و سوسیالیزم در جهان که همیشه موضع مخالفت با آزمایشات ذروی و تولید سلاح اتمی را داشته یکبار دیگر موضع خود را با تدویر کنگره ۲۷ حزب‌کمونیست مستحکمتر مینماید و موقف خودرا خلل ناپذیراعلام داشته است .

در گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که در کنگره توسط رفیق میخائیل سرگیوویچ ـ گرباچف ایراد شد این مطلب به صراحت ذکر گردیده‌است که اتحاد شوروی نه تنها اینکه نمی خواهد زمینه‌جنگ وخونریزی ، دهشت وشرارت وآزمایش سلاحهای ذروی توسعه یابد بلکه در پی محدودیت و حتی از بین بردن اینگونه اعمال جنایتکارانه که سرنوشت بشریت را ببازی میگیرد تلاش های خستگی ناپذیر نموده ، وگامهای ارزشمندی درین راه برداشته است اعلامیه های رفیق گرباچف در موردتقویت امنیت جهانی و ازبین بردن خطر تهدید صلح و اعلامیه اتحاد شوروی در مورد قطع آزمایشات اتمی جانب‌شوروی و تمدید آن تاسه ماه دیگر برای آزمایش عکس العمل جانب مقابل میتواند نمونه های درخشان، صلح خواهی اتحاد شوروی باشد .

در این روز ها که تمام بشریت مترقی متوجه نتایج کار کنگره میباشند در عین حال آرزومند یك دنیای با صلح و صفا اند ما با اطمینان کامل گفته میتوانیم که این آرزو های بشری در لابلای کار کنگره تحقق می پذیرد ، زیرا مبارزه اتحاد شوروی بخاطر تامین آرزوهای‌انسانی‌ورفاهیت‌مردم است .

مصاحبه‌کننده‌گان ـ غفارونجیب

مسکو، کریملین، کاخ کنگره ها

(بقیه ص اول)

اساسنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی صحبت نمود.

کنگره متن اساسنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی را با تغییرات وارده در آن تایید نموده و مصوبه مربوط را به تصویب رسانید .

همچنان مصوبه در مورد تاییدگزارش کمیسیون‌تفتیش مرکزی حزب کمونیست‌اتحاد شوروی به اتفاق آراء تصویب گردید .

درپایان‌رفیق ان.ای. ریژکوف عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.ك.ا.ش، رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی وعضو هیات رئیسه کنگره، به نمایندگی از نماینده گان کنگره بیست وهفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی به رفیق‌م.س.گرباچف به‌مناسبت پنجاه وپنجمین‌سالروز تولدش که مطابق به ۲ مارچ است صمیمانه تبریك گفت .

کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحادشوروی‌امروز به کار خود ادامه میدهد .

میتنگ محصلین افغانی

محصلین افغانی مقیم شهر تاشکند اتحاد شوروی پریروز طی میتنگ باشکوهی از تدویر بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی استقبال کردند

در میتینگ منشی کمیته حزبی شهر تاشکند حزب دموکراتیك خلق افغانستان سخنرانی نموده و به‌نماینده گی محصلان افغانی‌مقیم تاشکند سپاسگزاری‌عمیق خود را از پشتیبانی قاطع حزب‌کمونیست اتحادشوروی از داعیه بر حق و عادلانه مردم افغانستان ابرازنمود

اشتراك کننده گان محفل در پایان پیامی را عنوانی اشتراك کننده گان بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی صادر کردند .

باختر

تبصرهٔ سیاسی

نوید آیندهٔ بهتر

بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی که همین اکنون کاربرگزاری آن در قصر کنگره هایی کریملین در مسکو جریان دارد ، یکی از رویدادهای مهم نیمه دوم سال هشتاد برای مردم اتحاد شوروی وخلق های سراسرجهان بشمار می آید .

کنگره گزارش سیاسی کمیته مرکزی‌حزب کمونیست اتحاد شوروی را که توسط رفیق میخائیل گرباچف در کنگره ارایه گردید ، مورد بحث قرار داده ، طرح جدید برنامه حزب، تغییرات در اساسنامه حزب وجهات اساسی انکشاف اجتماعی ـ اقتصادی جامعه شوروی را تاپایان‌سال ...۲تصویب‌نمود.

در گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مقیاس نو ـ آوری کارهای آینده مشخص گردیده و خاطر نشان شده است که انجام آن به‌خصلت سیاسی ، ایدیولوژیکی و فعالیت سازمانده‌ی حزب کمونیست اتحاد شوروی که در آن بیش از ۱۹ ملیون کمونیست برای برسر رساندن اهداف واحد با اراده واحد و با دسپلین آهنین متحد شده اند ، ارتباط ناگسستنی دارد و قدرت و توانمندی حزب نیز در آنست که بتواند شرایط زمان را درك و مطابق به‌آن عمل نموده ، در بین توده های مردم نفوذ خود را گسترش دهد . از ینرو برای حزب لازم است که دربرابر انجام وظایف و مسوولیت های که در برابر آن قرار دارد بی تفاوت نمانده از خود تحرك نشان دهد وراه های موثر حل پروبلم هایی که در آینده بدان مواجه می گردد جستجو نموده به خاطر آینده وطن ، به خاطر اعمار سوسیالیزم و کمونیزم تلاش های خستگی ناپذیر به خرچ دهد .

تکامل و پیشرفت زندگی دراتحادشوروی خود امکانات واقعی پیشرفت اقتصادی، اجتماعی آینده جامعه را تصدیق می نماید . در آمد ملی اتحاد شوروی در فاصله کوتاه زمانی ،مدت بیستو پنج سال یعنی از تاریخ تصویب برنامه کنونی تقریباً ٤ چند افزایش یافته است ... به طور خلاصه اهداف اساسی اجتماعی ـ اقتصادی که در بیست و ششمین کنگره‌حزب‌کمونیست اتحاد شوروی تعیین گردیده بود جامه عمل پوشیده است . که تمام این پیروزی ها آشکارا بر قابلیت نامحدود سیستم سوسیالیستی و توانایی آن برای حل بغرنج ترین مسایل اقتصادی و علمی ـ تکنالوژیکی به نفع توده هایوسیع مردم زحمتکش اتحاد شوروی گواهی میدهد .

رفیق میخائیل گرباچف اظهار داشت : دوران ما، دوران بازسازی عمیق کیفی جامعه است‌که ازحزب‌و سازمانهای آن شرایط جدید کار را میطلبد . هر عضو حزب و هر کلکتیف کارگری باید با وجدان راسخ کار و پیکار نماید . تغییرات در اساسنامه و متن جدید برنامه حزب نیز برای همین منظور تصویب می گردد تا زمینه بهتر فعالیت اعضای حزب به نفع مردم مهیا گردد و تمام اعضای حزب به طور نمونه دربازسازی کشور فعالانه‌سهم بگیرند . بنابر تجارب ایکه تاکنون بدست داریم می توان چنین حکم کرد که وظایف تعیین شده درکنگره کنونی حزب به موفقیت می انجامد . اما اینرا نباید ازیاد برد که حزب ما وقتی می تواند موفقانه از عهده‌وظایف تعیین شده بدر آید که خود مطابق به شرایطزمان انکشاف نماید ، وظایف انجام شده را نقادانه‌بررسی نماید و برای آینده بعدی بیاندیشد . اینست راز موفقیت و پیروزی ما .

تدویر با موفقیت بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در شرایط کنونی جهان معاصر از نقش و اهمیت ویژه ای بر خوردار است . این کنگره افقهایی نوینی رابرای مردم اتحاد شوروی در امر اجرای وظایف گسترده اجتماعی ، اقتصادی و معنوی ... می گشاید .

از منابع آ.پی.ان

ترجمه : شمس الرحمن

بیست و هفتمین کنگرهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی

گزارش سیاسی

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به بیست و هفتمین کنگرهٔ ح.ک.ا.ش

گزارش رفیق م.س. گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش

۲۵ فبروری ۱۹۸٦



رفقا نمایندگان !

مهمانان گرامی !

بیست و هفتمین کنگرهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی در شرایط چرخش بنیادی در زندگی کشور و در مجموع جهان معاصر دایر می گردد. **ما با احساس عمیق درک مسوولیت های خود در برابر حزب ومردم شوروی بکار آغاز میکنیم . وظیفهٔ ما این است** تابصورت گسترده روی زمان سپری شده به شیوهٔ لنینی بیاندیشیم **و باید برنامهٔ عمل واقعبینانه و همه جانبه و سنجیده شده را که اهداف بزرگ را با امکانات واقعی وپلانهای حزب رابا امیدها و خواستهای هر انسان پیوند ارگانیک میدهد، تدوین نمائیم . فیصله های ۲۷ مین کنگره هم خصلت وهم آهنگ پیشرفت حرکت ما را در سالها و دهه های آینده، در پیشرفت بیک وضع کیفیتاً نوین جامعه سوسیالیستی تعیین می‌کند.**

قرار است کنگره متن جدید برنامهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی ، تغییرات در اساسنامهٔ حزب ، جهات اساسی انکشاف اقتصادی، مردمی را در پنج سال آینده ودر دورنما بررسی و تصویب کند. ضرورت به گفتن ندارد که این اسناد برای حزب ما، دولت ما ومردم ما چه اهمیت شایانی دارد . دراین اسناد نه تنها ارزیابی راه طی شده ، طرح وظایف نضج یافته، بلکه دیدی از آینده نیز مطرح شده است. سخن بر سر آنست که اتحاد شوروی چگونه وارد قرن ۲۱ می گردد ، سیما و موضع سوسیالیزم در عرصهٔ بین المللی چگونه خواهد بود و فردای بشریت از چه قرار خواهد بود .

از زمان تصویب برنامهٔ موجودهٔ حزب تاکنون جامعهٔ شوروی در راه انکشاف خود گام های بزرگی برداشته است . ما در ماهیت امر تمام کشور را از نو اعمار کردیم ، به پیشرفت های عظیمی در عرصه های اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی و تربیت نسل جوان این ایجادگران جامعهٔ نوین نایل آمدیم ، راه بشریت را به کیهان گشودیم ، توازن نظامی ستراتیژیک را بر قرار ساختیم که نقشه های تجاوزگرانه وامکانات امپریالیزم را در برافروختن جنگ هسته یی بطور محسوس محدود ساخت .

موضع کشور ما و سوسیالیزم جهانی در عرصهٔ بین المللی بطور قابل ملاحظه‌ای تحکیم یافته است .

راه طی شدهٔ کشور ،دستاوردهای اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی آن برحیاتی بودن آموزش مارکسیستی-لنینیستی ، برتوانمندی عظیمی که در سوسیالیزم نهفته است ، برسوسیالیزم بمثابهٔ مظهر ترقی جامعه شوروی ، بطور مقنع مهر تایید میگذارد . ما حق داریم به تمام آنچه که‌در این سالها - سالهای کار و مبارزهٔ شدید انجام داده ایم افتخار کنیم .

رهبری ح.ک.ا.ش ضمن ارزیابی شایسته ازدستآوردها، وظیفهٔ خود می شمارد که بطور صادقانه وصریح ازکاستی ها در فعالیت های سیاسی و عملی خود، **ازگرایش های منفی در عرصه های اقتصادی و اجتماعی - معنوی و راجع به علل این پدیده ها به پیشگاه حزب و مردم سخن گوید .** در جریان برخی سالها ، نه تنها نظربه **عوامل عینی بلکه قبل از همه به دلایل ذهنی ، فعالیت عملی ارگانهای حزبی ودولتی** از نیازمندی های زمان و **زندگی عقب ماندند .** درجریان انکشاف کشور ، پروبلم ها بجای آنکه حل شوند ،افزایش یافت . اشکال و شیوه های لا قیدانه و خشک اداره، کاهش تحرک در کار، افزایش بیروکراتیزم - تمام اینها زیان بزرگی در کار وارد می نمود . در زندگی جامعه پدیده های رکودآوری پدیدار گردید .

وضع نیازمند دگرگونی بود . در ارگانهای مرکزی وحتی در محلات یک روحیهٔ خاصی حکمفرما بود : که چگونه میتوان وضع رابهبود بخشید ، بدون آنکه چیزی را تغییر داد ؟ اما چنین چیزی امکان ندارد .

رفقا !

چنانکه میگویند :یک‌لحظه توقف کنی‌فرسنگ ها،عقب میمانی.

نباید از حل مسایل نضج یافته طفره رفت ، چنین موضعگیری برای کشور ، دولت وحزب به قیمت گزافی تمام میشود و بیایید در این مورد با صدای رسا سخن گوییم .

وظیفه نهایت بزرگ در برابر ما قرار دارد : چگونه میتوان بزودترین فرصت پدیده های منفی را از انکشاف اجتماعی - اقتصادی جامعه رفع کرد و به آن تحرک و سرعت لازم بخشید ، باید از گذشته حداعظم درس گرفت تا فیصله های ما برای‌آینده، حد اعظم دقیق و پرمسوولیت بوده و عمل مشخص ما هدفمند وموثر باشد .

و ضع دگرگونی های قطعی نه تنها در اموردا خلی رونما گردیده است ، بلکه برای مسایل خارجی نیز خصلت نماست . تغییرات در انکشاف کنونی جهان بهاندازه یی عمیق وبی نهایت زیاد است که نیازمند تجدید نظر در درک آنها و تحلیل مجموعی عوامل آنها است وضع تقابل هسته یی ،ما را موظف به اتخاذ روش نوین‌در موردطرق واشکال‌مناسبات‌متقابل میان سیستم های گوناگون اجتماعی ، دول و مناطق میسازد .

مسابقهٔ تسلیحاتی را که امپریالیزم براه انداخته، سبب شده است که ختم قرن بیست را زیر این سوال قرار دهد : آیابشریت میتواند از خطر هسته یی رهایی یابد ، یا سیاست مقابله که احتمال تصادم هسته یی را می افزاید، برتری می‌گیرد ؟ جهان سرمایه از ایدیولوژی و سیاست هژمونیستی خود دست نکشیده است ، اداره چیان آن‌هنوزامید خودرامبنی‌برانتقام اجتماعی از دست نداده اند.

آنها با توهمات تفوق نیرو خود را تسکین میدهند .ارزیابی های عاقلانهٔ رویداد ها بدشواری بزرگی از میان پردهٔ ضخیمی از توهمات و تخیلات در افکار طبقهٔ حاکم عبور میکند . اما بغرنجی وحدت لحظهٔ تاریخی کنونی‌به ابرام این وظیفه می افزاید که سلاح هسته یی رابایست غیر قانونی ساخت . این وسیله وسایر و سایل امحای جمعی مردم را باید کاملا نابود و روابط بین المللی را باید سالم ساخت .

رهنمود ها برای تسریع انکشاف اجتماعی -اقتصادی جامعهٔ ما که در پلینوم اپریل سال (۱۹۸۵) ارائه شدبیانگر درک عمیق حزب از وضع اصولا نوین داخلی و خارجی کشور، مسوولیت آن بخاطر سرنوشت میهن و تبارزاراده و قاطعیت آن در تحقق دگرگونی های نضج یافته، میباشد .

کمیتهٔ مرکزی ضمن فورمولبندی و ظایف درازمدت‌و اصولی پیگیر از مارکسیزم -لنینیزم، از این‌تیوری واقعا علمی انکشاف اجتماعی پیروی کرده ، منافع بنیادی انسان زحمتکش و آرمانهای عدالت اجتماعی را تبارزمیدهد که نیروی حیاتی آن در جوان بودن همیشگی آن ، درقابلیت دایمی آن به تکامل و تعمیم حقایق و پدیده های نوین، در تجربهٔ مبارزهٔ انقلابی ودگرگونی های اجتماعی نهفته است .

هرگونه تلاشی در جهت تبدیل تیوری که ازآن پیروی میکنیم به مجموعهٔ از الگوها و نسخه های منجمد که در همه جاو در هر گوشهٔ‌زندگی بدرد بخورد بطور قاطع نه متضاد با ماهیت و روحیه مارکسیزم - لنینیزم است.

و.ای.لنین در سال ۱۹۱۷ نوشت :«مارکس وانگلس بحق از برکردن و تکرار سادهٔ «فورمولهایی» را که در بهترین حالت تنها وظایف عام را تعیین کرده می توانند، استهزا میکردند. برای هر دوار خاص پروسهٔ تاریخی شرایط مشخص اقتصادی‌و سیاسی متقابلا متغیرضرور است » (جلد ۳۱ صفحه ۱۳۲) اینست رفقا سخنی که‌هریک ما باید روی آن بیاندیشیم وآنرا بکار بندیم .

درست همان شرایط مشخص اقتصادی‌وسیاسی که ما درآن قرار داریم وهمان دوار خاص پروسه تاریخی که جامعهٔ شوروی و تمام جهان از طریق آن عبور می‌کنند، از حزب واز هر کمونیست خلاقیت ،نوآوری، وتوان برون رفت از تصورات وعادات منسوخ را می طلبد .

قبل از تدویر کنگره روی اسناد آن یک مباحثه‌بزرگ صریح و سازنده در رابطه با کلیه مسایل کلیدی زنده‌گی و سیاست حزبی ماصورت گرفت ما در کنگره با خرد غنی ، تجربهٔ تمام حزب‌ومردم آمدیم . اکنون بهتر رآشکار میگردد که چه نظمی و کدام اهرم ها را بایست بکاربندیم تا حرکت ما به پیش سرعت لازم اختیار نماید .

اکنون بسیاری مسایل‌و در واقعیت امر تمام مسایل‌به آن ارتباط خواهد داشت که تا کدام اندازه ما میتوانیم بطور موثر از برتری‌وامکانات نظام سوسیالیستی، توانائی‌اقتصادی‌وقدرت‌اجتماعی آن استفاده کنیم . اشکال منسوخ اجتماعی ،سبک‌وشیوه های کار را نوسازی کنیم و آنها را در شرایط تغییر یافته سازگار سازیم. تنها بدینگونه ما میتوانیم به توانمندی کشور خود بیافزاییم زندگی مادی ومعنوی خلق شوروی را دریک سطح کیفی نوین ارتقا بخشیم واثر بخشی ایجادگرانهٔ مثال سوسیالیزم رابه نظام اجتماعی در تکامل جهانی از دیاد بخشیم.

ما به آینده با اطمینان مینگریم ، زیرا وظایف خودو راه تحقق آنرا خوب درک میکنیم . زیرا به حمایت توانمند مردم اتکاء میکنیم. ما به آینده بااطمینان‌مینگریم زیرا بخاطر منافع میهن سوسیالیستی بخاطرآرمانهای بزرگ فعالیت میکنیم ، آرمانهاییکه حزب کمونیست با خدمات صادقانه خود را وقف آن ساخته است .

اول

جهان معاصر: عمده‌ترین گرایشها و تضادها

رفقا ! در مسودهٔ برنامه حزب جهات اساسی و خصوصیات انکشاف کنونی جهان بصورت همه جانبه مورد تحلیل قرار گرفته است. برنامه ، سبقت جویی ازآینده را با تمام تنوع مظاهر مشخص آن هدف خود قرار نمیدهد ، این یک هصروفیت بیهوده‌خواهد بود.

اما راه دیگر کاملا معقول خواهد بود و آن اینکه تنهابا درک روشن از گرایش های کلیدی وا قعیتهای موجود میتوان یک سیاست‌درست، علمی و مستدل راپیش برد. نفوذ عمیق در دیالکتیک‌آنچه در جهان بوقوع پیوسته ودر منطق عینی آن و نتیجه گیری درست از رویداد هایی که نشاندهنده حرکت زمان‌باشد کار ساده ای نیست اماشدیداً ضرور است .

و.ای.لنین قبل از انقلاب اکتوبر در حالیکه تنها اقتصاد سرمایداری را در نظرداشت، خاطر نشان ساخته بود که ۷. مارکس هم نمیتوانستند مجموع دگرگونی ها در کلیه شبکه های سرمایه داری را احاطه نمایند.اما ولادیمیرایلیچ ادامه داد : «قوانین این تغییرات بوسیله مارکسیزم کشف شده وعمده ترین و اساسی ترین منطق عینی این تغییرات و تکامل تاریخی آنها نشان داده شده است ... » (جلد ۱۸ صفحه ۳۴۵) .

جهان‌معاصر پیچیده، متنوع، متحرک، آگنده از گرایشهای متقابل و مملو از تضاد ها است . این جهان ، جهان پیچیده ترین الترناتیف ها ، نگرانی ها وامید ها است . در گذشته هیچگاه زمین مشترک ما تا این حد زیرفشار سیاسی و فزیکی قرارنگرفته بود . هیچگاه انسان تا این حد ازین طبیعت چیزی‌حصول نکرده بود و هیچگاه‌انسان‌تااین حد در برابر قدرتی که خودش آفریده است ، آسیب پذیر نبود .

انکشاف جهانی نتیجه‌گیری بنیادی مارکسیزم - لنینیزم‌را تایید میکند مبنی بر اینکه تاریخ جامعه مجموعهٔ از تصادفات و « حرکات طوفانی» غیر منظم نیست بلکه پروسه منظم و قانونمند است. تضاد های آن نه تنها بیانگر محکومیت جهان کهنه و همه آنچه‌که حرکت به پیش رامانع میشود است ، بلکه منبع نیروی محرکه پیشرفت های اجتماعی نیز است . پیشرفتی که در شرایط مبارزه‌گسترش می یابد و این مبارزه تاجاییکه استثمار و طبقات استثمارگر وجود دارد ، ناگزیر است انقلابات رهایی بخش که با اکتوبر کبیر آغاز نهاد ، سیمای قرن بیست را تعیین میکند . به هر اندازهٔ که دست آورد های علم و تخنیک وپیشرفت طوفانزای علمی-تخنیکی بر زندگی جامعه موثر باشد، اما رهایی اجتماعی و معنوی انسان به او آزادی واقعی می بخشد . و درین راه اگر هم هر اندازه دشواریهای عینی و مصنوعی ناشی از جهان کهنه وجودداشته‌باشد، با آنهم جریان تاریخ برگشت ناپذیر است .

پیشرفت های اجتماعی قرن سیمای شرایط انکشاف اجتماعی آتیه را تغییرمیدهد. عوامل نوین اقتصادی ، سیاسی و علمی - تخنیکی داخلی وبین المللی وارد عمل میشوند. پیوندمتقابل‌دول‌وخلق هاافزایش میابد.همه اینهادر برابر هرکشور مطالبات جدی وخاصی را قرار میدهد، خواه این مطالبات در موردسیاست خارجی یا توانایی اقتصادی و اجتماعی و یا سیمای معنوی جامعه باشد .

محققاً ترقی زمان ما با سوسیالیزم همگون است . سوسیالیزم جهانی نظام قدرتمند بین المللی است‌که بر اقتصاد پیشرفته ، زیربنای علمی محکم و توانمندی‌مطمین نظامی - سیاسی متکی است. این سیستم در بر گیرنده

(ص٤)

بیست و هفتمین کنگرهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی

گزارش رفیق م.س. گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی ح.ك.ا.ش

(بقیه ص ۳)

بیش از سوم حصه بشریت دهها کشور و خلق است که راه کشف همه جانبه ثروت های فکری و اخلاقی انسان و جامعه را می پیمایند. طرز جدید زنده‌گی مبتنی براصول عدالت سوسیالیستی بو جو د آمد که در آن نه ستم کش ونه ستمگر، نه استثمار گرونه استثما ر شونده هیچکدام وجود ندارند، جاییکه قدرت بمردم تعلق دارد و علایم مشخصه آن عبارت اند ا ز کلکتیویزم و کمك متقابل رفیقانه، پیروزی اندیشه آزادی ووحدت گسست‌ناپذیر حقوق ووظایف هر عضو جامعه، ارجگزاری به‌شخصیت وبشر دوستی واقعی. سوسیالیزم، امکان واقعی‌ایست که بروی تمام بشریت گشوده شده است و مثالیست که به آینده مینگرد.

سوسیالیزم درکشورهایی زاده شده و اعمار گردیده که از لحاظ سطح اقتصادی و اجتماعی همان زمان آنقدر پیشرفته نبودند و از نظر سرنوشت های تاریخی و ملی و ساختمان خود با یکدیگر متفاوت بودند.

هر کدام آنها به‌شیوهٔ خود به صورتبندی جدید گام نهادند و پیشگویی مارکس را مبنی بر «تنوع و مدا رج بی پایان» یك زیر بنای معین در مظاهر مشخص آن تایید کردند. (جلد ۲۵، ص ۳۵٤).

این شیوه ها وراه هاهموار یا ساده نبودند. ارتقای اقتصاد عقب مانده یا ویران، آموزش ابتدایی ترین سواد به ملیو نها انسان، تهیهٔ سر پناه، غذا و کمك طبی مجانی، کار نهایت دشوار بود.

خود نو بودن وظایف اجتماعی، فشار های بلاوقفهٔ نظامی، اقتصادی، سیاسی و روانی امپریالیزم، ضرورت اتخاذ مساعی عظیم برای دفاع تمام اینها بر جریان رویداد ها و خصلت آنها و بر آهنگ تحقق برنامه ها ودگرگونیهای اجتماعی ـ اقتصادی تاثیر داشت. اشتباهات درسیاست و انحرافات گو نا گون ذهنیگرانه نیز موجود بود.

اما زنده‌گی چنین است. دشواریهای زنده‌گی همیشه در تنوع تضاد ها و بعضاً کاملا نا گهانی تبارز میکند.

ولی مسالهٔ دیگر بسیار پر اهمیت است وآن اینست که سوسیالیزم امکا نات حل مسایل اجتماعی را مطابق به اصل دیگر نشان داده است که عبارت از اصل کلکتیفی می باشد. اصلی‌که کشورهارا به‌سطوح‌عالی تری از تکا مل رسانده و برای انسان زحمتکش زنده‌گی شایسته و مطمین را فراهم ساخت.

سو سیا لیزم پیوسته مناسبات اجتماعی را تکا مل بخشیده و بصورت هدفمندبه دستاورد ها می افزاید، نیرو و اعتبار نمونه یی خود را گسترش میدهد، بشردوستی واقعی کلیه جوانب زنده‌گی را تبارز میدهد و بدین سان مانع مستحکمی در برابر ایدیولوژی و سیاست جنگ ونظامیگری ارتجاع وزورگویی و کلیه اشکال ستم بشری اعمار میکند و به ترقی اجتماعی فعالانه یاری‌میرساند. سوسیالیزم به یك نیروی قدرتمند مادی و معنوی مبدل گردیده و نشان داده است که چه امکانات بزرگی در برابر تمدن کنونی جهان گشوده میشود.

روند ترقی ا جتما عی‌با انقلابات ضد استعمار ی، جنبشهای آزادی بخش ملی، رستاخیز بسیاری کشور ها و پیدایش دهها دولت نو، پیوند نزدیك دارد. آنها با کسب استقلال سیاسی خود مبارزهٔ شدیدی را بخاطر رفع عقب مانی، فقر و بعضاً غربت فوق العاده، این‌میراث سنگین گذشته برده گی پیش میبرند. آنها که در گذشته آماج بی حق سیا ست امپریالیزم بودند، در مسیر آفرینش تاریخی مستقلانه‌گام نهادند.

ترقی اجتماعی سیمای‌خودرا درانکشاف جنبش‌بین‌المللی کمونیستی وکارگری، در گسترش جنبش نوین دموکراتیك توده یی جهان کنونی منجمله جنبش ضد جنگ وضد هسته یی‌می‌یابد. ترقی اجتماعی در قشر بندی نیرو های سیاسی در جهان سر مایه داری بشمول مترو پول ها ی امپریالیزم‌یعنی ایالات متحدهٔ امریکا نیزمشهود است.

در اینجا گرا یشهای مترقی ناگزیر اند تا برای خود راهی را از میان سیستم انحصارات جهانی بگشایند. مارکس ترقی را در جامعهٔ استثمار گرانه به ((الهه‌آتش پر ست نفرت انگیز ی تشبیه میکرد که نمی خوا ست نو شدا ر و ی خود را در چیز دیگری به‌جز از کاسه سر کشته‌شده‌گان بنوشد)). (جلد ۹، صفحه ۲۳۰) اونوشت: «در زمان ما گویا همه چیز آبستن ضد خود است. ما مینگریم ما شینها که نیروی اعجاز گر دا رند و باید کار انسان را کا هش بخشند و ثمربخش سازند به انسا نها گرسنگی و نا توانی بار می آورند. سو چشمه های جدید ثروت ومنابعی که تاکنون کشف نشده اند بوسیلهٔ جادوی عجیب و نا مفهومی بمنابع فقر مبدل میشوند. پیروزی تخنیك گویا به قیمت انحطاط اخلاقی خریداری میشود. چنین مینماید که به هر پیمانهٔ که بشریت، طبیعت را مطیع خود میسازد به همان پیمانه انسان بردهٔ سایر انسانها ویا بردهٔ فرومایگی خود میگردد. به عقیدهٔ من، حتی روشنایی خالص علم تازمانیکه در محیط تا ریك جها لت نلغزد، نمیتواند بدرخشد. تمام اکتشا فا ت ما،و تمام پیشرفت های‌ماگویا باعث آن میشود که نیروهای مادی حیات فکری کسب مینماید و زنده‌گی بشری که عاری از جوانب فکری خود است تا سطح نیروی سادهٔ مادی تنزل میکند» (جلد ۱۲، ص ٤).

تحلیل گسترده تاریخی دقیق و عمیق مارکس انسانرا متحیر میسازد. این تحلیل برای واقعیت های بورژوایی قرن بیست مبرمیت بیشتر دارد نسبت به قرن نزده. از یك جانب انکشاف سریع علم و تخنیك امکانات‌بی‌سابقهٔ تسخیرنیرو های‌طبیعت، بهبود زنده گی بشر یست را میگشاید، و از جانب دیگر«قرن بیستم ـقرن دانش» با چنان مظاهر امپر یالیستی چون جنگ های نهایت‌خونین، اوجگیری ملیتاریزم و فاشیزم، قتل‌عام، محو ومیت ملیونها مردم،واردتاریخ‌گردید. نادانی وجهالت‌پرستی‌درجهان‌سرمایه با دستآ ورد های عالی علم‌و تخنیك توام اند. این جامعهٔ ایست که ما نا گزیریم با آن همجواری داشته باشیم و راه های همکاری و تفاهم متقابل را دریابیم، تاریخ چنین حکم میکند.

ترقی بشر یت با انقلاب علمی‌ـ تخنیکی نیز مستقیماً رابطه دارد. این انقلاب آرام آرام و بتدریج سرزد تا بعداً در ربع اخیر قرن، آغاز گر پیوند (آمیزش) عظیم امکانات مادی ومعنوی انسان شود. امکانات دوگانه: موجودیت‌یك جهش کیفی در نیرو های مولدهٔ بشریت، اما همزمان جهش کیفی دروسایل‌تخریب، در امور نظامی که برای نخستین بار در تاریخ به انسان «قدرت» فزیکی ای‌داد که میتواند تمام زنده جان ها را در زمین نابود سازد.

انقلاب علمی ـ تخنیکی در سیستم های گونا گون اجتماعی ـ سیاسی بو سیلهٔ حدود وپیامد های گوناگون آن‌گسترش می یابد. سر مایه داری سالهای ۸۰، سرمایداری قرن‌الکترو نیك، و سا یل اطلاعاتی، کمپیوتر ها و روبوت هاست که ملیو نها انسان ازآن جمله جوانان و تحصیل کرده ها را بیرون میراند. ثروت و قدرت با ز هم بیشتر در دست عدهٔ محدودی تمرکز میکند. نظامیگری که تلاش میکند گام به گام اهرم های قد ر ت سیاسی را تصاحب کند بحساب «مسابقهٔ تسلیحاتی فوق العاده بزرگ میشود. نظامیگری به زشت ترین و خطرناك ترین غول قرن بیست مبدل می گردد که تلاش‌میکند پیشرفته ترین اندیشهٔ علمی تخنیکی را در خدمت اسلحهٔ نا بودی جمعی قرار دهد.

انقلاب علمی و تخنیکی در برابر کشور های روبه انکشاف این مساله را باحدت خاصی قرار میدهد: آیا سر نوشت چنین خواهد بود که آنها از دستاورد های علم وتخنیك بطور کامل استفاده کنند و بدین سان نیرویی در مبارزه بر ضد استعمار نو و استثمار امپریالیستی بد ست آورند، ویا اینکه آنهاهمچنان دراطراف‌انکشاف جهانی باقی خواهند ماند. انقلاب علمی‌ـ تخنیکی بر بسیاری مسا یل لاینحل اجتماعی ـ اقتصادی که مانع پیشرفت در این بخش‌جهان‌میشوند، باوضاحت کامل روشنی می افگند.

سوسیالیزم از امکا نات فراوانی بر خوردار است تا علم و تخنیك معاصر را د ر خدمت انسانها قرار دهد. اما اشتباه خواهد بود اگر تصور شود که انقلاب علمی‌ـ تخنیکی در برابر جامعهٔ سوسیالیستی نیز پروبلم‌هایی پدید نمی آورد. چنا نچه تجربه نشان میدهد، تکا مل این انقلاب با بهبود مناسبات اجتماعی، باز سازی‌تفکرات، ایجاد روان جدید، و تثبیت تحرك بمثا به‌طرزشکل‌ومعیارهای زندگی پیوند دارد. این‌انقلاب بطور قطعی خواستار تجدید نظر دایمی و نو سازی‌اشکال موجود اداره میباشد.

به عباره دیگر انقلاب‌علمی‌ـ تخنیکی نه تنها دور نما هارا میگشاید، بلکه مطالبات را درتمام عرصه های سازماندهی حیات داخلی و بین المللی افزایش می بخشد. بدیهی است‌که ترقی علمی ـ تخنیکی نمیتواندقوانین رشداجتماعی، مفهوم و محتویات اجتماعی آنرا تعویض کند، اما تاثیر عظیمی بر تمام پروسه ها و تضاد های جهانی بجامیگذارد.

نمیتوان مشاهده نکرد که دوسیستم اجتماعی‌ـاقتصادی چه از نظر آماده‌گی وچه از نظر تو ا نایی درك پیدایش پروبلمها و راه های حل آنها کاملا از هم متفاوت اند.

چنین است جهانی که ما در آستانه ورود به هزارهٔ‌سوم در آن زیست میکنیم. جهانی پر از امید ها، زیرا انسانها هیچگاه در گذشته به این پیمانه برای انکشاف بعدی تمدن مجهز نبودند. در عین حال جهانی مشحون ازخطرات وتضاد هاکه مجبور میسازد را جع به آن بمثا به دلهره انگیزترین نوار تاریخ سخن گفت.

نخستین گروپ تضاد هاو مهمترین آنها از نقطهٔ نظر سرنوشت بشریت، باروابط میان کشور های دو سیستم، دو صورتبندی ارتباط دارد. این تضاد ها سابقهٔ طو لا نی دارند. از زمان اکتوبر کبیر در روسیه و انشعاب جها ن نظر به مشخصات اجتماعی ـ طبقاتی تفاوت های اساسی چه در ارزیابی رویداد ها ی موجوده وچه در دور نمای اجتماعی جهانی رونما شد.

سر مایداری از میلاد سوسیالیزم بمثابه «اشتباه» تاریخ استقبال کرد که باید «جبران» شود، به هر قیمت وهر شیوه ممکنه، بدون‌درنظر داشت حقوق و اخلاق باید جبران شو د: مدا خله مسلحانه، محاصرهٔ‌اقتصادی، فعالیتهای مخرب، تحریم هاو «جزاها»، صرف نظر از هر گونه همکاری، اما هیچ چیز مانع استقرار نظام نوین وحق تاریخی آن برای زندگی شده نتوانست.

دشواری هاییکه طبقهٔ حاکم سرمایداری در درك ازواقعیت و تکرار متواتر تلاشهادرحل گروپ تضاد هاییکه دوجهان را از هم جدا میسازد، به آن مواجه شدند، بدیهی است‌که تصادفی نبودند.

امپریالیزم در مسابقهٔ مقابله نظامی دو سیستم، نیرو های داخلی خودرانیز دخیل میسازد و این ما هیت اجتماعی ـ اقتصادی آن‌است. امپریالیزم نظربه سر شت اجتماعی خو د سیاست تجاوز گرانه و ما جرا جویانه را پیوسته بوجود می آورد.

در اینجا میتوان ازمجموعه مکملی از انگیزه هاسخن‌گفت: اشتهای غا رتگرا نه فا بر یکه داران اسلحه و گرو هبند ی های نظامی ـ بیروکراتیك، علاقه مغرضانه انحصارات به منابع مواد خام وبازار فروش، هراس بورژوازی از دگرگونی وسر انجام تلاشها در جهت حل مسایل حاد خودش بحساب سوسیالیزم.

انگیزه اخیر بخصوص‌برای امپریالیزم ایالات متحده‌امریکا خصلت نما ست. تنها ایدیو لوژی وسیاست‌امپریالیستی اس ت‌که بمنظورقرار دادن سوسیالیزم و اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی در حد اعظم شرایط نامساعد خارجی، پس از سال ۱۹٤۵ به‌مسابقه هسته یی و انواع دیگر مسابقات تسلیحا تی دامن زد واین مسابقات را زمانی آغاز کردکه شکست فاشیزم و نظامیگری امکا نات واقعی ای را فراهم ساخته بود که یك جهان بدون جنگ اعمار کرد، زمانیکه برای این هدف میکا نیزم همکاری بین المللی ـ سازمان ملل متحد ـ ایجاد شد. اما سر شت امپر یا لیزم این‌بار نیز کار خود را انجام داد.

جناح راست بورژوازی انحصاری ایالات متحده امریکا امروز نیز از وخامت اوضاع بین المللی برای توجیه تخصیصه های نظامی،مخالفت های همگانی، مداخله د ر امور داخلی سایر کشور ها، هجوم بر منافع و حقو ق زحمتکشان امریکا استفاده میکنند. محاسبه روی‌استفاده از وخامت برای فشار بر متحدین آن نیز نقش کم ندارد تا آنها را کاملا مطیع سا زند، برای آنکه از دیکتات واشنگتن تابعیت کنند.

سیاست تقابل همگانی و رویارویی نظامی آینده ندارد. رجوع به گذشته ـ پاسخ به فراخوانی های آینده نیست، بلکه بیشتر ناشی از ناامیدی ویأس است، چنین موضع با تعقیب چنین سیاستی بی‌خطر شده نمیتواند. اینکه این مطلب را چه وقت و بکدام پیمانه درواشنگتن‌درك‌میکنند، عمل نشان میدهد. ماازجانب خود، آنچه بما ارتباط دارد، انجام خواهیم داد تا وضع بین المللی را بگونه بنیادی بسوی بهبودی سوق دهیم. برای این منظو ر برای سوسیالیزم ضرور نیست که از اصول خود و یا ارمان های خود صرف نظر کند. سوسیالیزم بدون تز لزل بخاطر همزیستی مسالمت‌آمیز دول دارای نظام های گوناگون اجتماعی رزمیده و خواهد رزمید.

در تفاوت از امپر یا لیزم که تلاش میکند با زور سرنیزه جریان تاریخ رامتوقف سا زد وگذشته را بر گرداند. سوسیالیزم به اراده خودش هیچگاه آیندهٔ خودرا با حل نظامی مسایل بین المللی پیوند نداده است. بر این امر نخستین مباحثهٔ همگانی که پس از پیروزی انقلاب‌کبیر اکتوبر که در کشور براه انداخته شد، مهر تایید میگذارد. عقاید «کمونیست های چپ» و ترو تسکیست که از نظریهٔ «جنگ انقلابی» که گویا میتواند سوسیا لیزم را در سایر کشور ها پیروز گرداند. جانبداری میکردند، بطور قاطعانه رد گردیدچنانچه و.ای. لنین در سال ۱۹۱۸ خاطر نشان ساخت، چنین موضعگیری با«مارکسیزم کاملا فاصله دارد. مار کسیزم همیشه «تحریك» انقلاباتی را که به پیمانه نضج گیری‌شدت تضاد های طبقاتی تکا مل مینمایند رد میکرد.» (جلد ۳۵، صفحه ٤۰۳)، ما امروز نیز معتقد هستیم: تحریك انقلاب از بیرون، بخصوص با وسایل نظامی، بیهوده و غیر مجاز است.

پروبلم ها و بحرا نهاییکه جهان سرمایداری با آن مواجه اند، از اعماق خود این‌سیستم بروز میکند ونتیجهٔ قانونمند تضاد های آشتی نا پذیر داخلی جامعه منسوخ است. در این را بطه، سرمایداری ضمن رشد خود، خود را رد میکند. محافل حاکم کشو ر های امپریالیستی که دیگر توان تسلط را بر حدت مسایل آخرین مرحلهٔ رشدسرمایداری ندارند، به وسایل و شیوه هایی متوسل می شوند که بطور آشکار قادر به نجات جامعه ایکه تاریخ محکو م نموده است، نیستند.

امروز افسانهٔ «تهد ید» شوروی یا کمو نیستی مطر ح است که منظور آن تبرئه مسابقهٔ تسلیحاتی وتجاوزگری های خود امپریالیزم است، اما هر چه بیشترآشکارمیگردد که در کوره راه نظامی راه حل عاقلانه بین المللی و داخلی جستجو شده نمیتوانند. تصادم، مبارزه و برخورد های متضاد بطور نمای انکشا ف جهانی خصلت پیچیده خاصی داده است. زمانیکه درجهان جنگ افزارهای عظیم هسته‌یی انباشته شده‌است‌ومتخصصین صرف در مورد اینکه چندین بار یاده ها بار میتوان‌بشریت را نا بود کرد، سخن‌میگویند، بهترین وقت است تا به عقب نشینی عملی از مر ز جنگ وواهمه بسوی اشکال عادی ومتمدن روابط متقا بل کشور های دو سیستم دست یا زید.

همانا در اطراف مضمو ن واقعی سیا ستی که قادر به حفظ صلح باشد، مبارزه اساسی در سالهای آینده گسترش خواهد یافت.

مبارزه در سالهای بعدی، این‌مبارزه دشواروکثیرالجوانب است، زیرا ما با جامعه محافل رهبری کننده یی که آرزومند نیستند تا با عقل سلیم به واقعیت های جها ن و دورنمای آن ارزش قا یل شوند و از تجارب خود و دیگران نتایج جدی و سودمند بگیرند، سرو کار داریم. اینها همه نمونه فر سایش «سیستم مصونیت» داخلی و پوسیدگی اجتماعی آن است، که موجب تقلیل امکان‌تحولات اساسی در سیاست نیروهای حاکمه گردیده و باعث افزایش سطح غیر عاقلانه بودن آن میگردد.

روی همین ملحو ظات د ر اوضاع موجود بمشکل میتوان مناسبات میان کشور ها ی سو سیا لیستی وسرمایداری، اتحادشوروی و ایالات متحده امریکا را پیشبینی نمود. عوامل تعیین کننده در اینجا تناسب نیرو ها در عرصه بین المللی، افزایش و فعال بودن قابلیت صلح و توانایی آن در دفع موثر تهدید جنگ هسته یی بوده و بیشترمتعلق به اندازه واقع بینی محا فل حاکمه غرب درتحلیل اوضاع، میباشد .ولی خوش‌آیندنیست سیا ستمداران نه تنها ازچشم بلکه معناً نیز نا بینا با شند. در شرا یط آ شتی نا پذیری کا مل با جنگ هسته یی نه تصادمات بلکه همز یستی مسالمت آمیز سیستم هاباید منحیث قانون منا سبا ت بین الدول قرار بگیرد.

گروپ دوم تضاد ها عبارت از تضاد های داخلی خودجهان سرمایداری میباشند. دوران کنونی، تعمیق‌بحران همه‌گانی جهان سرمایداری را بیشتربه اثبات رسانید.

سرمایداری معاصرباهمان طبیعت استثمارگرانه خود که دست نخورده مانده، با سرمایداری اولی‌وحتی‌سرمایداری اوا سط قر ن ۲۰ فرق کلی دارد. در تحت تاثیر انقلاب علمی ـ تخنیکی تصادم میان رشد فزاینده نیرو های مولده وخصلت ما لکیت شخصی مناسبات تولیدی بیشترشدت کسب میکند. دراینجاهمچنان بیکاری و تمام مجتمع پروبلم های اجتماعی به شدت‌افزایش میابد. نظامیگری که در همه چیز و همه جا نفو ذ میکند مانند وسیله‌معمول دست یابی به اقتصاد بکار می افتد. بحران فزاینده در بر گیرندهٔ دستگاه های سیاسی و عرصه معنوی گردیده است. فشار های استبداد گرانه ارتجاع در تمام جهات یعنی در عرصه سیاست داخلی و خارجی اقتصاد، فرهنگ وبکار برد دست آورد های نبوغ بشریت تحمیل میگردد.

اشکال عنعنوی‌محافظه‌کاری ها جای خود را برای گرایش های مطلق العنانی تخلیه میکنند بخصوص باید از بازتاب خطر نا ك بحران سرمایداری که عبارت ازانتی‌ـکمونیزم و انتی سو یتیز م میباشند، یاد آوری نمود. این امر نه تنها در سیاست خارجی مطرح است. بلکه در سیستم کنونی امپریالیزم این یك جهت عمده سیاست داخلی بوده ووسیله فشار با لا ی تمام نیرو ها ی پیشرو ومترقی که در کشور ها ی سرمایداری و در بخش خارج از جهان سوسیالیستی وجود دارند، میباشد.

درست‌است‌که مرحله کنو نی بحران همه گانی، مانع رکود مطلق را برای سرمایداری ببار نیاورده و امکانات ر شد اقتصاد آن و بکار بستن سمت گیری های جدیدعلمی‌ـ تخنیکی را استثناء قر از نمیدهد. سرمایداری‌حفظ موضع مشخص اقتصادی، نظامی، سیاسی وغیره را وحتی د ر برخی عرصه‌ها ا مکان انتقام جویی‌اجتماعی یعنی‌برگرداندن آن چیزی را که قبلا ازدست رفته ((مجاز)) میشمارد. ولی سر ما یدا ر ی بادراختیار ندا شتن اهداف و نشا نه .

(ص۵)

بیست و هفتمین کنگرهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی

گزارش رفیق م.س. گرباچف منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی ح.ك.ا.ش

(بقیه صفحهٔ چهارم)

های مثبتی که بیا نگر منافع توده های زحمتکشان است، امروز با در گیری عجیب و غریب و نفی متقابل تمام گروپهای متضاد باخود، باچنان شماری ازبن بستهای اجتماعی وغیره که سرمایداری در تمام دوران قرن انکشاف خود با آن مواجه نشده بوذ، برخورد می کند.

قبل از همه تضاد میان کار وسرمایه شدت میابد. درطی سالهای ۶۰ـ۷۰ در اوضاع مساعد اقتصادی، طبقه کارگر و تمام زحمتکشان توانستند بعضی سهولت ها را در وضع خود بوجود بیاورند. ولی از اواسط سالهای ۷۰ سرعت بحرانات اقتصادی ودگرسازی تکنالوژی تولید وضع را دگرگون ساخته وبه سرمایه این فرصت را مهیا ساخت تا به تعرض متقابل پرداخته و بخش قابل ملاحظهٔ دستاورد های اجتماعی زحمتکشان را نا بود بسازد نظر بهبرخی از شاخصها سطح زندگی زحمتکشان چندین سال به عقب غلطا نیده شد برای تمام دوران بعدازجنگ بزرگترین شاخص، بیکاریاست. بهطورچشمگیر وضع دهقانان وفارمر ها روبه خرابی میرود: اقتصاد ورشکست میشود، کار فرمایان قبلی آن قطار افراد آن کار اضافی را تکمیل میکنند. دیگران دچار اسارت طاقت فرسای انحصارات بزرگ زراعتی و بانك ها میگردند. طبقه بندی اجتماعی تعمیق یافته و بیشتر از پیش فوق العادهگی کسب میکند. بطور مثال در ایالات متحده امریکا یك در صد خانواده کاملا ثروتمند، ثروتهایی را در اختیار دارند که تقریباً ۱ر۵ مرتبه ازثروت هایعمومی ۸۰ فیصدخانواده هاکه ازلحاظ دارایی در سطح پایین قرار دارند، بیشتر میباشد.

محافل حاکمه امپریالیستی نمیتوانند از یاد ببرند که اوضاع موجود آبستن انفجار اجتماعی وبی ثباتی سیاسی است. اما این هم سیاست آنها را نمیتواند دقیقبسازد.

بر خلاف در سالهای اخیر در مجموع گروپهای بیشتر آشتی ناپذیر ارتجاعی در طبقات حاکمه تفوق حاصل می کنند.

این دوران تهاجم خاص بیرحمانه پیاپی علیه حقوق زحمتکشان ازجانب انحصارات را آشکار میسازد.

برای این تهاجم از تمام ذخایر انباشته شده بوسیله سرمایداری استفاده بعمل می آید، از بهتان و شانتاژ اقتصادی بر علیه اتحادیه های صنفی کار گرفته میشود، قوانین ضد کارگری نافذ میگردد. نیرو های چپ وهر نیروی مترقی دیگر تحت تعقیب قرارمی گیرند. کنترول دایمی معیار قرار گرفته واگر دقیق تر بگوییم تعقیب بخاطر تفکر و رفتار مردم صورت می گیرد.

پرورش فرد گرایی کهبصورت هدفمند سوق میبابد، حقوق زور آوران در مبارزه بخاطر زنده ماندن، فقداناخلاقونفرت نسبت بهدموکراسی، مقیاسهای بی سابقهیی کسب نمودهاست.

اینکه چگونه درآینده تضاد اساسی میان کار و سرمایه رشد میکند و کدام نتایج از اوضاع موجود بدست خواهد آمد، تمام اینها را آیندهٔجریان مبارزه زحمتکشان بخاطر حقوق شان و ترقی آشکار میسازد، ولی نمیتوان درباره تهدید جدی راستگرایی سیاست موجود و تمام اوضاع داخلی در بعضیاز کشورهای سرمایداری و در مناسبات بین المللی حرف نزد. عواقب چنین چرخش را به مشکل میتوان پیش گویی کرد، خطرات آنراکم بها دادن مجاز نیست. دههاخیرقرن باشعلههای نو آتش تضاد های فی ما بین امپریالیست ها وظهور اشکال وجهت گیری های نو همراه بود. این گروپ از تضاد های سرمایداری رانه نزدیکی طبقاتی آنها و علاقمندی در باره هدف واحد، نه هم پیوندی نظامی، اقتصادی و یا سیاسی شان ونه انقلاب علمی ـ تخنیکی هیچکدام نتوانست مانع شود.

مسلماًانقلاب علمیـتخنیکی پروسه بین المللی ساختن تولید سرمایداری را سرعت بخشیده، همطراز بودنسطحو هم شیوه جهشی رشد کشور های سرمایداری را نیرو می بخشد. رقابت شدت یابنده در زمینه ترقی علمیـتخنیکی بیشتر عقبمانده ها را زیر ضربه قرار میدهد. پیچیدهگی قابل ملاحظه شرایط باز دهی تولید سرمایداری، جهات گوناگون پروسه های بحرانی وشدت رقابت بین المللیبرای رقابت امپریالیستی شدت خاص ولجاجت بخشیده، مبارزه تجارتی ـ اقتصادی در بازار جهانی به اتکای قدرت «وطنی» نیرو یا بندهٔ سرمایداری انحصاری ودولتی ودر تحت نقش تجاوز کارانه تر و خود غرضانه دولت سرمایداری عملی میگردد.

سر مایهٔانحصاری چندینملیتی نیروی بیشتر کسب نمود. این نوع سرمایه در مجموع تمام عرصه ها ویا رشته های تولیدی را هم در مقیاس یك کشور علیحده وهم درمجموع در سطح اقتصاد جهانی پا مال نموده و انحصاری میسازد. در آغاز سالهای ۸۰ سهم سر مایهٔ انحصاری چندین ملتی بیشترازسومحصهٔ تولید صنعتی و بیشتراز نصف تجارت خارجی و همچنان هشتاد در صد اختراع نامه در تخنیك و تکنالوژی جدید در جهان سرمایه داری بود. هسته مرکزی سرمایه انحصاری چندینملتیزاامریکا تشکیل میدهد. بوسیلهآنها مجتمع موسسات خارجی که در آنها اردو های جداگانه کار گران وکار مندان کهازنظر تعداد مساوی به نصف کارگران و کارمندان موسسات صنعتی فعال در خود ایالات متحده امریکا میباشند، به کار اشتغال دارند، اداره میگردد.

در حال حاضر این مجتمع تامین کننده تولید محصولات ووسایل با قیمت مجموعی در حدود ۱ر۵ تریلیون دالر در سال میباشد که با چهل در صدکل محصولات ایالاتمتحده امریکا مطابقت دارد.

اندازهٔ «اقتصاد دوم»ایالات متحده امریکا برای بار دوم دو مراتبه از اقتصاد قدرت های اروپایی نظیر جمهوری آلمان فدرال، فرانسه، انگلستان سبقت می جوید و تنها در برابر جاپان برابری کرده نمیتواند.

اکنون قویترین سرمایه چندین ملتی انحصاری ایالات متحده امریکا را امپراتوری مقیاس های فعالیت اقتصادی تشکیل میدهد که آنها را میتوان با مجموع محصولات ناخالص ملیکلیه دولت ها مقایسه نمود.

گره های جدید متضاد میان انحصارات چندین ملتی وشکل ملیـدولتی سازماندهیسیاسی جامعه بوجود آمده وبهسرعت محکمتر می گردد.

انحصار چند ین ملتی هم خود ارادیت کشور های در حال رشد و هم خود ارادیت و استقلال کشور های پیشرفتهٔ سر مایه داری را قویاً صدمه می زند.

انحصارات چند ین ملتی فعالانه از انتظام دولتی ـ انحصاری، زمانیکه این نظم برای شان سود مند باشد، استفاده بعملمیآورند. آنها هرگاه کوچکترین تهدید را ازجانب حکومات کشور های بورژوازی نسبتبه منافع شان مشاهده کنند، بااینگرایشهاباخشونت برخورد میکنند. ولی با آنهم انحصارات بزرگ چندین ملتی امریکا، حسب معمول بصورت فعالانه نقش سررشتهداران هژمونیزم دولتی را که حرص امپراطور منشانهٔ نیرو های حاکم این کشور میباشد، بازی میکنند.

تضاد های کاملا روشن وپوشیده در مناسبات متقابل میان سه مرکز اساسی امپریالیزم معاصر یعنیایالات متحده امریکا، اروپای غرب وجاپان نهفته است. برتری اقتصادی، مالی و تکنالوژیکی که ایالات متحدهٔ امریکا از آغاز تا ختم سالهای ۶۰ در برابررقبای نزدیك خود از آنها استفاده بعمل آورده بایك آزمایش جدی روبرو است.

برای اروپای غربی وجاپان زمینه مساعد شد تا دربعضی جهات صحنه را برای بادار امریکایی شان تنگ بسازند. آنها به ایالات متحده امریکا در چنین عرصهٔ عنعنوی هژمونی آنکشور مانند تخنیك جدید چلنج میدهند.

واشنگتن دایماً از متحدین خود میخواهد تا آنها باروت ها را بیهوده برای از بین بردن یك دیگر حیف و میل نکنند. ولی چگونه میتواناین سه مرکز امپریالیستی معاصر را در تحت یكپوشش مورد بررسی قرار داد، در حالیکه خود امریکا بیان با انحصار دالر ها و فیصدی اسهام میل ندارند اقتصاد خود را از حساب اروپایغربی وجاپان تغذیه نمایند. درچنان مقیاسی که موافقت درجهت ـ گیری های سه مرکز امپریالیستی حاصل میگردد، این موافقت ها همیشه به شکل بقایای فشار از جانب امریکا ویا دیکتهٔ مستقیم تبارز نموده وقبل از همه تعقیب کنندهٔ منافع و اهداف خود ایالات متحده امریکا میباشد. این مطلب بنوبهٔ خودنه در جهت از میان برداشتن بلکه در جهت شدت تضاد ها عمل میکند، چنان مینمایدکه روی چنین پیوند علت و معلول همه فکرمی کنند. برایاولین مرتبه در حکومات عدهیی از کشور های اروپای غربی، در احزاب سوسیال دموکرات و لیبرال و در میان افکاروسیع عامه آن کشور ها صدایبحث بلند است ولی آیا سیاست کنونی امریکا با تصورات اروپای غربیمبنی برمصوونیت شخصی آنها مطابقت دارد و یا امریکا در مطالباتش روی لیدر شپ بودن افراط نمیکند؟ شرکای ایالات متحده امریکا میتوانستند متیقن شوندوحتی نه یك مراتبه، که عینك بیگانه جایعینك خودی را نمی گیرد.

بدون شك تضاد گرایش های مرکز گریز وگرایش هاییکه متمایل بهمرکز اندمانند نتیجهٔ تحولات در تناسبنیرو ها در سیستم امپریالیزم مانند سابق در آینده نیز ادامه خواهد یافت. به مشکل میتوان انتظار داشت که مجتمعاقتصادی، نظامی، سیاسی و سایر منافع مشترك این سه «مرکز ایجاد شده» با شرایط معاصر از هم جدا گردد. اما در چارچوب این مجتمع واشنگتن نمیتواند از اطاعت بیچونوچرایدستوراتخوداز جانب متحدین و رقبای خود وبه خصوص اطاعت درعرصهٔ زیان منافع خود آنها انتظار بکشد.

مختصهٔ تضاد های مرحلهٔ کنونی فی مابین امپریالیزم در آنست که در دههٔ اخیر امکانتجدید شکل در آنها وجود دارد یعنی اینکه خود را بنام «مراکز نیروها» مسمی خواهند ساخت.

که این امر بدون تردید به افزایش و تعمیق بعدی تضاد ها و بافت متقابل و شدت تضادها می انجامد.

مجتمع جدید، مغلق و متحرك تضاد ها میان امپریالیزم وکشور های در حال رشد و خلقهای آنکشور ها شکل میگیرد. آزادی مستعمرات ونیمه مستعمرات ضربهٔ کوبندهٔ سیاسی و ایدیولوژیکی بود که بر پیکر سیستم سرمایداری وارد آمد. سیستم سرمایداری با آن شکل وقیافهٔ که در قرن ۱۹ و اواسط قرن بیست بوجود آمده بود، دیگر وجود ندارد. پروسه تحولات اجتماعی ـ اقتصادی در زندگی خلقها که در بر گیرنده تمام بشریت است بطی و دشوار ولیتوقف ناپذیر به پیش میرود، یعنی پروسهیی که تحولات اصولی فراوانی را با خود همراه داشت، مواجه با دشواری های فراوان نیز است.

سرمایداری تا اندازهٔ موفق شد تا از طریق مانور های سیاسی، تطمیع، تهدید های نظامی و شانتاژ و اکثرا مداخله مستقیم در اموِرداخلی کشورهایاز بندرستهوتحمیل وابستگی های اقتصادی خود را از خطرنابودی نجات بدهد. روی همیناساسات امپریالیزم توانست سیستم کاملاگستردهٔ بهره کشی نو استعماری را ایجاد نموده وساز مان دهد. و همچنان تعداد قابل ملاحظهٔ دولتهای از بند رسته رابهخود نزدیك تر وصل نماید.

عواقب این عمل تراژیك است. کشور های در حال رشد یعنی آن مناطقی که بیشتر از دو ملیارد انسان در آن حیات بسر میبرند، منحیث مناطق فقر سرا سری قرار گرفته اند.

در آغاز سال های هشتادسطح عاید سرانهٔ اهالی در کشور های ازبند رسته در مجموع ۱۱ مرتبه پائینتر از کشور های پیش رفته سر مایداری بود. در جریان سه دههٔ اخیر این تفاوت کم نگردیده بلکه افزایش کسب نموده است. هدفنهتنها فقرمقایسوی است بلکه سخن بر سر بیسوادی و جهل، امراض ساری، کمبود مواد غذایی وگرسنگی، مرگ و میر دهشتناك اطفال، شیوع امراض که دامنگیر صدها میلیون انسان گردیده، میباشد.

این وضع برای بشریت متمدنشرم آور است دراینجا تقصیر همه بدوش امپریالیزم است. این امر نه تنها از نقطه نظر تاریخ رهزنانهٔ استعمار در تمام قاره ها که بقایای عقب ماندهگی خارق العاده را از خود بجا گذاشته، بلکه به اندازه یکسان ازنقطه نظر پراتیك کنونی نیز به اثبات میرسد. صرف در طی دههٔ اخیر با سود بدست آمده بوسیلهٔ انحصارات ایالات متحده امریکا از کشور های در حال رشد، سر مایه گذاری آنها چار مرتبه افزایشکسب نموده است. اما در منطقهٔ امریکای لاتین وحوزهٔ کارائیب سود امریکا طی این مدتذکر شده با سرمایه گذاری، ۸ مراتبه افزایش یافته است.

میتوان بدون مبالغه ادعا نمود که سیستمامپریالیزم به اندازه قابل ملاحظه از ثمرهٔ تجارت کشور های در حال رشد وبهره کشی بیرحمانهٔ خلقهای این کشور هابه زندگی وموجودیت خود هنوز هم ادامه میدهد. شکل واسلوب این غارت وبهره کشی تبدیل میشود ولیماهیت آن بشکل سابق باقی می ماند مثلادر ایالات متحدهٔ امریکا بخش قابل ملاحظه عاید ملی از ثمرهٔ این منابع تشکیل میشود. کشور های در حال رشد را تمام دولتهای امپریالیستی استثمار میکنند، ولی امپریالیزم ایالات متحده امریکا بدون تردید این عمل را بصورت بیشتر عریان انجام میدهد. مبادله ناهمگون، تجارت نا برابر، کلاه برداری و خودکامهگی، اسهام محاسبه شده و مکیدن انحصارات چندین ملتی هممدر یك جهت واحد عمل می کنند. عواملی که در بالا تذکر داده شده از یکسو فقروبدبختی عدهٔ را افزایشمیبخشد واز جانبدیگر باعث متمول ساختن دیگران میگردد وپلاریزاسیون را در اقتصاد جهانی سرمایه داری افزایش میدهد.

فقر و بدبختی در کشورهای درحال رشد یك پروبلم بزرگ سرا سری جهانی است. و منبع واقعی اکثر تصادمات در آسیا، افریقا و امریکای لاتین نیز از همین جاونه از جای دیگر نشأت میکند. حقیقتایناست، ولی محافل حاکمهٔ حکومات امپریالیستی مطالبی تحریف آمیز را بخاطر موجه جلوه دادن سیاست نو استعماری خود وادعای همگانی در مورد «دست مسکو» بیان میدارند.

اگر ما مسئله قرضه ها را درآمیزش با انباشت سودسالانه مقروضیت های که کشور های روبهانکشافهمهسالهمیپردازند نظربگیریم یك معنی میدهد: تجدید دور نمای رشد آنها و ناگزیری حدت بعدی پروبلم های اجتماعی ـ اقتصادی و سایر پروبلم های آنها که بدون مقروضیت نیز وافر اند. بازپرداخت قرضههادرشرایط موجود طبعاً برای اینکشورها غیر ممکن است. هر گاه راه های حل عادلانه برای این امر دریافت نگردد. این وضع منجر به عواقبجدی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای مناسبات بین المللی خواهد شد. نباید چنین اظهار کرد که محافل حاکمهٔ امپریالیستی تهدید نامرئی را در اینجا احساس نمیکنند. ولی تمام مواظبت وتلاش آنها در یك مطلب خلاصه میشود و آن اینکه چگونه میتوانند سیستم موجود خود را با بهره کشی و استثمار شدید خلقهای کشور های در حال رشد، نجات بدهند. بدون تردید میتوان یك مطلب دیگرراالظهار نمود، وآن اینکه میان قرضه های ترلیونی کشور های در حال رشد و افزایش مبلغ بیش ازیك ترلیون مصارف نظامی ایالات متحده امریکا در طی دههٔ اخیر یك ارتباط علنی بدون قید و شرط وجوددارد. بیش از (۲۰۰) میلیارد دالری که همه ساله از کشور هایدرحال رشدغصبمیگردد، عملا چنینمبلغیبرای بودجه نظامی ایالات متحده را درسالهای اخیر تشکیل داده است که این یك مطابقت تصادفی و خود بخودی نیست. روی همین دلیل است که نظامیگری بلاوا سطه علاقمند حفظ سیستم نو استعمار و استثمار شدید (مافوقاستثمار) میباشد.

یك مطلب دیگر نیز مسلم است که در شرایط شدت تضاد های سرمایه داری و محدود شدن عرصهٔ حاکمیت آن، استعمار نو هر چه بیشتر بیك منبع و وسیله مهم مبدل میگردد که برای سرمایه انحصاری امکانات مانورهای اجتماعی را تامین نموده، تشنج اجتماعی را تقلیل بخشیده و بعضی از اقشار زحمتکش را تطمیع مینماید. منبع واقعاً شگفت انگیز در کشور های پیشرفته سرمایداری دست مزدکار یكساعت به مقیاس دست مزد روزانهٔ کار گران کشور های آسیا، افریقا و امریکای لاتین بعضاً چندین مراتبه بیشتر است. تمام اینها نمیتوانند همیشه ادامه یابد محاسبه روی معجزه لازم نیست و شرایط خود بخود درست نمیشود.

نیروی نظامی که ایالات متحده امریکا با آن امیدبسته است تا مواضع نیرومند خود را حفظ کند از منافع انحصارات ومجتمع نظامی صنعتی دفاع کند واز دگرگونی های مترقی در کشور های از بندرسته جلو گیری نماید وضعرا متشنج ترساخته وسبب بروز تصادمات جدید میگردد. خریطه های پول میتوانند به صندوق های باروت مبدل گردند سرمایه داری دیر و یا زود مجبور است کهمیان سیاست زور و غارت بیشرمانه از یکسو و امکانات همکاری که به اساس عدالت استوار باشد ازسوی دیگر یكراه را انتخاب نماید. در اینجا چنان تصامیم بینادی لازم است که به نفع خلقهای کشور های در حال رشد باشد.

تحلیلیکیاز گروپهای دیگر تضادها به این نتیجه گیری جدیمنتهی میگردد که تضادها در مقیاس همگانی به موجودیت اساسات تمدن ارتباط میگیرد. سخن قبل از همه بر سر کثیف ساختن محیط زیست در حوزه های فضایی وابحار که منابع مواد خام اند میباشد. مسایل نه تنها ازسبب بار اضافی بالای سیستم طبیعی وعواقب انقلاب علمیـتخنیکی بغرنج میگردد بلکه رشد وسیع فعالیت انسان نیز روی آن تأثیردارد. انگلس هنوزدرآنزمان پیشبینی می کرد که عواقب اطاعت استفاده از طبیعت و بازی کورکورانه نیرو های بازار به چه اندازه هلاکت بار خواهد بود. نیاز هر چه بیشتر به موثریت روابط متقابلبینالمللی و میکانیزمی که بتوانند ذخایر سیارهٔ ما را به مثابه دستاورد کلیه بشریت تامین نماید احساس میشود.

حل مسایل عظیم بشری، بوسیله یك دولت و یا یك گروپی از دولت ها امکان پذیر نیست دراین عرصه بهمکاری در مقیاس وسیع و همکاری متقابل نزدیك و سازندهٔ شمار کثیری ازکشور ها وهمکاری بر بنیهٔ کاملا مساوی احترام به خود ارادیت هر یك از کشور ها و بر اساس اجرای تعهدات ازروی وجدان و نورم های حقوق بین المللی نیاز است. چنین است خواست قطعی زمانیکه مادران زیست مینمائیم.

سرمایداری به خلقهافقر فرهنگی و انحطاط ارزشهای معنوی راکه در قرون متمادی ایجاد گردیده به بار می آورد. هیچ چیز انسان را بیش از دانش بر تری نمیدهد ولی احتمالا در هیچ یك از مراحل موجودیتخود بشریت چون امروز چنین فشار جعلیات و فریب را حس نکرده بود. تبلیغاتبورژوازی اطلاعات تحریفشده رابراذهان وافکار مردمتحمیل می نماید، افکار و احساسات آنها را در بند کشید ومو ضع گیری مدنی و اجتماعی را برای محافل حاکمه بنابر منافع آنان تامین میکند اینکه چهنوع دانش، ارزشهای نورمهای اخلاقی در مورد اطلاعات، سیستم تعلیم و تربیه در اختیار مردم قرار می گیرد بیش از همه مسأله ایست سیاسی. زندگی خود بخودسوالی را دربارهٔ حفظ فرهنگ و دفاع آن در برابر فساد بورژوازی و محو ارزشهای مادی و معنوی را مطرح میسازد.

این یکی از وظایف عمومی و عمده بشری است. مجاز نیست که در بارهٔ بقایای کهن روانی واخلاقی عملکرد کنونی امپریالیزم در عرصه فرهنگ نیاندیشیم. فقر فرهنگ در تحت فشار روحیه سوداگری و زورگوئی موعظهٔ نژاد پرستی، تبلیغ غریزه های پست اخلاقی جبران، جنایت و «خشونت» جامعه بوسیله بشریت باید ردهگردد و حتماً رد خواهد گردید.

رفقا! طوریکه می بینید پروبلم ها ومشکلات زیاداست این همه دارای مقیاس چندگانهو بغرنج اند اما نباید از نظر دور داشت که بصورت عموم درك آنها از ساحه و عمق وظایفاتخاذ شده عقبمانده است شرط اساسی موفقیت درحل مسایل اساسی زندگی بین المللی عبارت است از کاهش موعد جستجوی توافقات سیاسی وتسریعگذار بهعمل سازنده.

ما خوب میدانیم که همه چیز در توان ما نیست زیادتر این امر مربوط به غرب میشود و مربوط به توانایی رهبران آن میگردد که عقل سلیم خود را در مهمترین دو راهی های تاریخ از دست ندهند. رئیس جمهور امریکا گفت که اگر سیاره ما راپیاده شونده گان سیارات دیگر

(بقیه در صفحه ششم)

بیست‌وهفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

گزارش رفیق م.س. گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی ح.ك.ا.ش

(بقیهٔ ص ٥)

تهدید کنند آنگاه اتحادجماهیر شوروی سو سیا لیستی و ایالات متحده امر یکا بزودی زبان مشترك در خواهند یافت. مگر ایا فاجعهٔ هسته‌یی نسبت به پیاده شدن باشنده گان سیارات دیگر خطر نا کتر نیست ؟ آیا خطر تهد ید محیط زیست بزرگتر نیست ؟ آیا کلیه کشور ها دارای منا فع مشترك در پیدا یش بر خورد منطقی و عادلانه نسبت به مسایل خلقها و دو لت های در حال رشد نمی با شند؟ بالاخره آیا تمام تجارب اندو خته شده بشر یت بخاطر اینکه انتظار کدام بحران دیگر ر ا بکشند و امروز نتیجه گیری عملی و اساسی بدست آرندکم است ؟ و ایالات متحده امر یکا با پیش کشید ناین دکتورین که مصو نیت آن د ر ابعاد کوچك سیارهٔ ما گنجایش ندارد، درحصول تفوق در دورنما به چیزی‌امیدوار است؟

امپریالیزم‌به خاطر دردست داشتن جلو تاریخ به هر وسیله دست می زند . اما چنین سیاست برای جهان خیلی گران تمام میشود خلق ها مجبور اند مستقیم و یا غیر مستقیم دربهای حیات میلیونها انسان ، تلف شدن ذخایر ملی ، صرف مبالغ عظیم در مسا بقات تسلیحا تی و با شمار کثیری از مسایل‌لاینحل دردور نما ها قیمت زیاد ی را ، قیمتی را که تنهامی توان تصور کرد بپرداز ند .

محا فل حا کم ایالات متحده امر یکا در این مر حلهٔ بغرنج تا ریخی سمتگیری وا قعبینانه را از دست مید هند. رو شی تجاو ز گرا نه بین‌المللی، نظا میگرانه ساختن سیاست و تفکر و نا دیده گرفتن منافع دیگران ، بلا واسطه به تجرید اخلاقی و سیاسی امپریالیزم امریکا وسعت گسترش شگاف بین آنها وکلیه بشریت منتج می گردد . دشمنان صلح د ر این کشور گویا خبر ندارند ، هنگامیکه سلاح هسته یی آماده است ، زمان و مکان برای تمدن خواص معمو ل خویشرا از دست میدهند و بشر یت أسیر تصادفات میشود .

آیا مراکز رهبری کنندهٔ سرمایه می توانند در راه معقول و عملی ارزیابی اوضاع جاری قرار گیرند یا خیر ؟ ساده ترین جواب این خواهد بود : می توانند ویا شاید هم نه . اما تاریخ برای ما حق چنین پیش بینی را نمیدهدکه ما «نه» را بمثابه جواب به سوالی که عبارت از بودن ویا نبودن بشر یت است ، بپذیریم . ما میگوییم تر قی اجتماعی و موجودیت تمد ن باید ادامه یابد . ما نه تنها از روی اپتیمیزم کمونیستی ، بلکه از روی ایمان به خرد و تفکرسالم مردمسخن میگوییم. ما واقع بین هستیم و کاملا درك میکنیم که دو جهان ر ا بسیار چیز ها از هم عمیقاً جدا می کند. اما واضحاًچیزی دیگری را هم می بینیم و آ ن این است که ضرورت حل مسایل همگانی بشر باید آنها را وادار به تشریك مساعی سازد ونیروی لایزال محافظت خودی بشر یت را بوجود آورد . و در اینجا ست که نیروی حل مسایل زمان ما به صورت عینی تمرکز میابد .

سیر تاریخ ترقی اجتماعی با اصرار هر چه بیشتر بر قراری تشریك مساعی سازنده و ایجاد گر دولت هاو خلقها را در مقیاس وسیع سیاره ما می طلبد . نه تنها میطلبد ، بلکه شرایط ضروری سیاسی ، اجتماعی و مادی آن را ایجاد مینماید .

چنین تشر یك مساعی ضروریست تاازفاجعه هسته‌یی جلوگیری بعمل آید و تمد ن بشری ادامه یافته بتواند. این تشریك مساعی لازم است تا مشترکاً وبه منافع هر یك سایر مسایل بغرنج عمو می بشریت حل وفصل گردد . تلفیق مسابقهٔ دو سیستم مخالف و گرایش فزاینده نسبت به ارتباط متقابل دول جامعه بشری ، دیالکتیك‌واقعی رشد معاصر است .

کمونیست ها همیشه تمام راه های ترقی اجتماعی را با کلیه بغرنجی ها و تضاد های درونی این راهها تصور کرده اند. اما در این تفاوت عمدهٔ جهان بینی کمونیستی ، د ر مرکز این پروسه ها پیو سته انسان ، منافع و مواظبت ازآن قرار دارد . طوریکه لنین خاطر نشان ساخت زندگی انسانی و امکانات شگوفایی همه جانبه آن گران بها ترین ارزش است و منافع رشد اجتماعی بالاتر از همه چیز قراردارد . ح.ك.ا.ش، فعالیت عملی خویشرا در همین‌جهت، سمت میدهد .

به‌نظرما جهت عمده مبارزه در شرایط معاصر عبارت ا ز ایجاد شرایط زندگی منا سب واقعاً انسانی مادی و معنو ی برای بشریت وکلیه خلقها ، تامین‌شرایط زندگی درسیارهٔ ما بر خورد دلسوزانه نسبت به ثروت های آن میباشد و بیش‌ازهمه‌نسبت‌به‌عمده ترین ثروت آن یعنی خود انسان و امکانات وی . اینك در این عرصه ما پیشنهاد مسابقه را باسیستم سرمایداری‌مینماییم مسابقه در شرایط صلح‌پایدار.

دوم

تسریع رشد اجتماعی-اقتصادی کشور - مشی ستراتیژیك

(بطورفشرده نشرمیگردد)

رفقا ! کمیته مرکزی ح.ك.ا.ش، با ارائه ستراتیژی تسریع رشد اجتماعی ـ اقتصادی کشور در پلینوم ماه اپریل تصامیم مهم تاریخی را اتخاذ نمود . این تصامیم مورد پشتیبانی وسیع حزب و کلیه مردم وا قع گر دیده وبه منظور بررسی کنگره تقدیم می گردد .

مساله را چگونه درك می نماییم ؟

پیش از همه ارتقاء سطح اقتصادی ، اما نه تنها این . ماهیت این امر در کیفیت‌جدید سطح موثر ساز ی همه گانی تولید به اساس رشد علمی ـ تخنیکی ، تجدید ساختما ن اقتصادی ، شیوه های مو ثر اداره سازماندهی و انگیزش کار نهفته است .

مشی تسریع صرف به دگرگونی هادرعرصهٔ اقتصادی نمی انجامد این مشی تحقق سیا ست فعال اجتماعی ـ سیاسی واصل عدالت سوسیا لیستی را پیشبینی می نماید .ستراتیژی تسریع تکامل منا سبات اجتما عی ،اشکا ل و شیوه های کارسیاسی واید لوژیکی انستیتو ت ها، تعمیق دموکراسی سوسیالیستی ، محو کامل بی علاقه گی ، رکود ، محافظه کار ی وهمه آنچه‌راکه سد ترقی اجتما عی میگردد در نظر دارد .

عمده تراز همه آنچه که موفقیت مارا تا مین میکند عبار ت از خلا قیت زنده‌توده ها ، کار برد نها یی امکانات وبرتر ی نظام سوسیالیستی میباشد .

رفقاً ! دریك کلمه تسریع‌رشد اجتماعی ـاقتصاد ی کشور ، کلید کلیه مسایل موجود، مسا یل دور و نزدیك اقتصاد ی ویا اجتما عی، سیاسی ویا ایدیولوژیکی ، داخلی ویا خار جی میباشد . تنهاازاین طریق میتوان وباید به وضع کیفیتا نوین جامعه شوروی‌نایل آمد.

الف :

نتا یج رشد اجتماعی ـ اقتصادی و ضرورت تسر یع آن :

رفقا ! طرح وتصو یب وظایف برنامه یی حزب در کنگرهٔ ما ـ ضرور ت برخورد وسیع رانسبت به بررسی‌نتایج رشد کشور دیکته میکند . طی بیست و پنج سال بعد از تصویب سومین برنامه حزب کمونست اتحاد شورو ی ، اتحاد شوروی به موفقیت‌های چشم گیری نایل آمده است . فو ند اقتصاد مردمی هفت مرتبه افزایش یافته است . هزار ها موسسه اعمار وعرصه ها ی جدید ایجاد گردیده‌است .

عاید ملی تقریبا چهار مرتبه، تولیدات صنایع پنج مر تبه ، زراعت ۱ر۷ مرتبه افزا یش یافته است .

اگرتا سالها ی قبل ازجنگ ودر نخستین سالها ی بعد از جنگ سطح اقتصاد ایا لات متحده امریکا صعب‌الدسترس محسوب میشد اما اکنون درسالها ی ۷۰به قوهٔ علمی ـ تخنیکی واقتصاد ی کا ملا به‌آن نزدیك گردیدیم و در تو لید برخی محصولات عمده حتی پیشی گرفتیم .

این دستاورد ها، نتا یج مساعی زیاد مردم میباشد .این امر امکان داد تابطور قابل ملاحظه سطح رفاهیت خلق شوروی رابالا ببریم .درطول ۲٥ سال عاید سرا نه اهالی به‌اندازه ۲ر۲٦مرتبه. فوندنیازمندی ها ی اجتماعی اضا فه تراز ٥ مرتبه افزایش یا فته است ،٥٤ مليو ن اپارتمان . آنچه که امکان داد تا شرایط معیشتی تعدادکثیری از خانواده ها بهبود یا بد، اعمار گردیده است. گذار به تعلیمات متوسط همه گانی تحقق پذیر فته است . شمار اشخاصی که تعلیمات عالی را به اتمام رسانیده اند ، چار مرتبه افزایش یافته است . موفقیت های علوم ، صحت عامه و فرهنگ مورد قبول عامه واقع گردیده است . منظره دستاورد ها ناتکمیل خواهدبوداگردربارهٔ جهشهای عمیق در عرصه اجتماعی ، مناسبات بین المللیتی و رشد بعدی دموکراسی سخن گفته نه شود .

همزمان با آن در سالهای ۷. در اقتصاد ملی مشکلات ازدیاد یافت . به طور قابل ملاحظه آهنگ رشد اقتصاد کاهش یافت . در نتیجه ، وظایف رشد اقتصادی که در برنامه ح.ك.ا.ش، انعکاس یافته بود وحتی وظایف پائین تر پلان های پنج ساله نهم و دهم عملی نگردیدند . و کاملا در تحقق برنامه های اجتماعی تعیین شده درین مدت موفق نشدیم . عقب مانی در عرصه بنیه مادی علوم و تعلیم و تربیه ، صحت عامه و خدمات فرهنگی ـ معیشتی‌اهالی رونما گردید .

البته بعضی عوامل بر چگونگی وضع در ین عرصه که مربوط به مانمی شد همچنان تاثیر داشت .

اما اینها عمده نبودند . عمده تر از همه آنست که مابه موقع به دگرگونی های‌اوضاع اقتصادی ، ارزش سیاسی قایل نشدیم و حدت و رکود گذار اقتصاد به شیوه های موثر رشد آن وبکار بر د وسیع دستاورد های ر شد علمی ـ تخنیکی را درك نه نمودیم . فراخوانی ها و مباحثات درین عرصه زیاد بوده وکار ها عملا در جای خود باقی ماندند .

رفقا ! از تمام این همه ما باید به صورت جدی درس عبرت بگیریم . نخستین آنها را میتوان درس حقیقت نامید. تحلیل مسوولانه گذشته راه آینده‌راپاك‌میسازدونیمه‌حقیقت که با خجالتی از مسایل حاد طفره میرود ، سیاست واقعی را سد میگردد و مانع جنبش ما می شود .

ولادیمیرایلیچ لنین میگفت : ((نیرو ی مادر بیا ن حقیقت نهفته است)) . (کلیا ت جلد ۱۱ـصفحه ۳۲۸) فقط به همین منظور در متن جدید برنا مه حزب ،کمیته مرکزی ضرور دانست تاا کیداً راجع‌به‌پروسه های منفی که در سالها ی ۷۰ و آغاز سالها ی ۸۰ ظهور نموده بود، سخن گفته شود. به همین منظور ما امروز در کنگره دربارهٔ آنها سخن میگوییم .

درس دیگر مربوط به‌پیگیری وجدیت در فعالیت های عملی میگردد. گذاردن چنین اقتصاد عظیم‌ما به‌راه انتاسیف آ ن امر ساده نبوده بلکه نیاز مند مساعی زیاد، به موقع و مسوولیت عالی میباشد .

اما آغاز دگرگونی نبا ید به تدابیر نیم بند محدود گردد. ضروراست تاباپیگیر ی‌وجدیت عمل کرد ،بدون آنکه درمقابل گامهای جسورانه توقف کرد.

ودرس دیگر ی نیز است‌که می توان آن‌را عمده‌ترین خواند پیروزی هرامر در نها یت‌باآن مشخص می گردد که توده ها درآن به چه اندازه فعا لا نه و آگاهانه سهم می گیرند . معتقد کردن قشرهای وسیع زحمتکشان به درستی راه انتخاب شده، علاقه مندساختن آنان از لحاظ مادی ومعنوی ، تجدید ساختما ن سایکولوژی کادر ها مهمترین شرا یط تسریع رشد ماست حر کت مابه پیش تسر یع می‌گردد، هراندازه که دسپلین و سازماندهی، مسوولیت هر فرد در کارمحوله ونتایج آن بلند باشد .

امروز نخستین وظیفهٔ‌حزب عبار ت از فایق‌آمد ن قاطعانه برگرایش های نامطلو ب در رشد اقتصادی ،تحرك‌بخشیدن به‌آن ،ایجاد فضا ی پهناور برای ابتکارا ت و خلا قیت توده ها ودگر گونی ها ی‌واقعا انقلابی میباشد .راه دیگر ی وجود ندارد . بدو ن تسریع رشد اقتصاد ، برنا مه ها ی اجتماعی به سراب می مانند اماآنها ـرفقاـ دارا ی‌خصلت تاخیر ناپذیراند . خلق‌شوروی باید در کوتاه ترین مد ت‌نتایج مساعی عمومی رادر حل‌وفصل مسایل ارتزاقی ـتامین نیازمندی باکیفیت عالی کالاها خدما ت ،بهبود خد مات صحی شرایط زیست معیشتی وحفظ محیط زیست احسا س نمایند.

تسریع رشد اجتماعی ـ اقتصاد ی سهم عظیمی را در تحکیم سوسیا لیزم جها نی ایفاء مینماید وهمکار ی متقابل راباکشور های برادر درسطوح عالی ترارتقاء میبخشد .تسریع رشد اجتماعی ، اقتصاد ی به طور قابل ملاحظه یی امکانات ما رادر عرصه اقتصاد ی‌باخلق های کشور های در حال‌رشد بادولت های جهان سرمایداری وسعت می بخشد . به عبارهٔ دیگر عملی شد ن مشی‌تسریع درزندگی‌دارای‌اثرات‌دور نمایی درسرنوشت‌مردم مامیباشد .

ب :

جهات اساسی سیاست اقتصادی :

رفقا! در طرح بر نامهٔ ح.ك.ا.ش ، جهات اساسی اهدا ف رشد اقتصاد ی و اجتماعی تعیین گردیده است. در اوآخر سدهٔ حاضردر شرایط مضاعف نمود ن پو تانسیل تولید ی ودگر گونیها ی کیفی آن، عاید ملی تقریبا دو مرتبه افزایش خواهد یافت . بازدهی کار به ۳ر۲ ـ٥ر۲ مر تبه افزایش می یابد وعاید ملی ظرفیت انرژیتیك به ٤ر۱مرتبه وحجم مصر ف فلزات ۲مرتبه کاهش می یابد . این به معنی یك‌چرخش تند در موثر سازی تولید ، ارتقاء کیفیت وموثریت آن خواهد بود .

در آینده به اساس تعمیق این پروسه ها در نظر است‌تا گذار به اقتصاد سازما ن یافته عالی و موثر با نیروهای مولده همه جانبه و رشدیافته، مناسبا ت پیشرفته تو لید ی سوسیالیستی ومیکا نیز م اقتصاد ی عیار شده و منظم تحقق می‌پذیرد. چنین است مشی ستراتیژیك ما وطوریکه در جلسه مشور تی کمیتهٔ مرکزی ح.ك.ا.ش (جون سال ۱۹۸٥) خاطر نشان گردید ، عمده ترین وسیله تحقق این استراتیژ ی رشد علمی ـ تخنیکی وتحو لات بنیادی نیرو های مولدهٔ جامعه می باشدکه نیل به این تحو لات با اساسات مادی وتخنیکی‌قبلی امکان پذیر نیست . راه‌بیرون رفت ما در تجدید عمقی ساختمان اقتصاد ملی بر اساس جدید ترین دستا ورد ها ی‌علم وتخنیکی بانفوذ در جهات پیشرفته رشد علمی ـتخنیکی تجدید ساختمان میکا نیز م اقتصاد ی وسیستم رهبری نهفته است .

ح.ك.ا.ش دارا ی تجر بهٔ عالی‌تحقق‌دگرگونیهای‌علمی‌ـ تخنیکی واجتماعی ـ اقتصادی میباشد .اما آین دگرگو نی ها هر قدر هم بزرگ باشندکار ماآز نظر وسعت و دشواریهای آن‌در گذشته باآنچه برا ی تجدید ساختما ن اقتصا د ملی لازم بوده ،مطابقت ندارد.

به‌این منظور چه‌باید کرد؟

نخست ازهمه باید سیست ساختاری وسرمایه گذار ی‌را تغییرداد. ما هیت این دگرگونی هادر تغییر مرکز توجه ازمعیار های کمی به کیفی وموثر یت، ازنتایج ابتدایی به نهایی ،از توسعهٔ فوند تولید ی به نوسازی، ازافزایش‌ذخایرسوخت مواد خام به بهبود استفا ده ازآن ها و به تسریع رشد عرصه‌های‌وسیعاً‌علمی‌زیر بنای تولیدی واجتماعی میباشد .

گام عمده دراین جهت باید درپلان پنج سالهٔ کنونی بر ـ داشته شود . بمنظور تجد ید ساختمان وتجدید وسایل تولیدی اضافه از ۲۰۰ میلیارد روبل سرمایه گذاری اسا سی به مقایسهٔ ده‌سال قبل درنظر گرفته شده‌است .

در مورد جها ت ستراتیژیکی مجتمع بزرگی پی ریزی شده وتطبیق آن‌آغاز گردیده‌است. عرصه های‌تعیین‌کنندهٔ علمی‌ـ تخنیکی وبهره دهی سریع اقتصاد ی وحل مسایل‌اجتماعی تاخیر ناپذیر بصور ت‌دینامیك انکشاف خواهد یافت .

واضحست که موثریت‌تجدید ساختمان ، سر عت رشد اقتصاد ی بطور قطعی مربوط به‌ماشین‌سازی‌است. خاصتاًدر برابر مجتمع های ماشین‌سازی وظایفی قرار داده‌شده که به موجب آن باید الی اوآخر پلان پنج ساله دوازدهم‌سطح تخنیکی ـ اقتصاد ی وکیفیت ماشین ها،تجهیزا ت‌وساما ن آلات سریعا ارتقاء یابد .جهت تجدید این عرصه به اندازهٔ۸ر۱ مرتبه بیشتر نسبت به پنج سال گذشته سر مایه گذار ی تخصیص می یابد .

مشخصا ماآز اجرا ی این بر نامه چه انتظاراتی داریم ؟به اندازهٔ بیشتـ ر از چهل فیصد تولید ماشینها وتجهیزا ت ، افزایش وخصلت کیفی آن ها بهبود خواهد یافت . سیل روز افزون تخنیك جدید شرا یط لازمه رابرا ی دگر گونیها ی بنیادی اقتصاد ملی و رشد موثریت آن ایجاد میکند .در نتیجهٔ این‌امر مامیتوانیم‌مجموعا طی‌یك سا ل ازکار ۱۲ملیون انسان وبیشتر از ۱۰۰ ملیون تن مواد سوخت صر فه‌جویی کرده ودرنتیجه‌میلیاردهاروبل بدست آوریم .

مفکورهٔ تجدید بنیاد ی ساختمان‌مجتمع انرژی حرارتی خواستار برنامهٔ انرژتیك است

درپلان پنج سالهٔ جار ی از ظرفیت های برق اتمی‌وهمچنان تعویض وسیع جنرا تورها ی فرسوده شده دستگاه های تولید بر ق حرار تی نسبت به زمان گذشته ٥ر۲ برابربیشتر بهره‌برداری‌صورت‌خواهدگرفت

در صنایع کیمیاوی و ذو ب فلزات ومجهز ساختن آنها با تجهیزات تولید ی بیشتر کار های زیادی درنظر است .تولید مواد اصولا جدید، بهتر ومولد وسایر مواد پیشرفته ، رشد الکترونیك، ماشین ساز ی و ساختما ن دیگر عرصه های اقتصاد ملی‌را تسریع‌میبخشد.

حزب اهمیت بس عظیمی به تجهیز مجدد تخنیکی‌وزیربنایی تولید ، نخست از همه به ترانسپور ت ومخا برا ت قایل است . صنایع خفیفه وسایر عرصه های صنایع که بلاواسطه به خاطر تامین‌نیازمندیهای اهالی کار میکنند ، برتری کسب می نمایند .

تجدید ساختما ن تخنیکی‌را مابدو ن بهبود بنیادی ساختمانهای ا سا سی تحقق بخشیده نمیتوانیم. واین امر ارتقا ی سطح سازما نی و صنعتی تمام ساختما نها ی کامپلکسی را تقاضا مینما ید. حداقل دورهٔ سرمایه گذار ی‌چه درزما ن تجدید ساختما ن موسسا ت وچه در حین ساختمان دستگاه های جدید دو مرتبه کاهش خواهد یافت . نمیتوان بیشتر ازاین باآهنگ پائین امور ساختما نی که به علت آن‌وسایل عظیمی منجمد میگردد ورشد علمی وتخنیکی رادر اقتصاد ملی سد مینماید، تن درداد .

ضرور ت تجدید ساختمان دربرابر علوم وظا یف جدیدی راپیش می کشد . ح.ك.ا.ش. پیگیرانه مشی تحکیم همه‌جانبه زیر بنا ی مادی تخنیکی علوم راتعقیب‌خواهدکرد ، وشرا یط بهتر رابه منظور فعا لیت هرچه موثر تر دانشمندا ن ایجاد خواهد کرد . اما وطن ازآنها اختراعات واکتشافا ت جدید را که به دگرگونی های واقعاً انقلابی در ر شد تخنیك وتکنو لوژی منتج گردد،انتظار دارد .

ضرور است تا ذخایرموسسات عالی موثرتر رابکار بست . دراین عرصه بیشتر از ۳٥ در صد کار مندا ن علمی ـ پیداگو ژیکی کشور از آنجمله در حدود نیم داکتران علو م منسجم گردیده اند واما توسط آنها کمتراز ده در صدتحقیقات علمی عملی میگردد.

ادارا ت مربوطه باید پیشنهادا ت رادر جهت تحکیم ارتباطا ت علم، تحصیلا ت عالی وتولید ، تهیه وارائه نمایند .

در این پیشنهادا ت با ید منافع آماده‌گی نسل خلف نیز در نظر گرفته شود ، همچنان که جنگل نمی تواند بدون نهال نورس زنده بماند از نخستین سا لها ی آموزش ،محصلان باید به کار های تحقیقاتی جلب شو ندودر تعمیق و تعمیم نتایج آن در تولید شرکت جویند . تنها بدین گونه میتوا ن دانشمندان واقعی را که خلاقانه به تخصص خویش می اندیشند ، تربیت نمود .

مانمیتوانیم به حل وظایف محوله درمورد تسریع پیشرفت علمی‌ـ تخنیکی نایل آییم، اگر اهرم های راکه اولو یت موسسا ت تحقیقاتی ،موسسا ت صنعتی وکو لکتیف‌هایی راکه فعالانه هرآنچه راکه نو ین ترو پیشتاز تر اند بکار می بندند وراه های تولیدمحصولات باکیفیت وموثر را جستجو می کنند در نیابیم .

ضرور است تا فعالیت اقتصاد ی خارجی خویش رابا وظایف نوین هرچه محکم تر ارتباط داد. برخورد نسبت‌به ارتبا ط متقابلا مفید اقتصادی باید دارای مقیاس عظیم و معطوف به‌آینده باشد .چنین سیاست توسط کشور ها ی

(ص ۷)

بیست و هفتمین کنگرهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی

گزارش رفیق م. س. گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی ح. ك. ا. ش

(بقیه صفحه ٦)

شورای تعاون اقتصادی پی ریزی گردیده‌است . این‌سیاست در مناسبات اقتصادی میان آنها گذار از ارتباطات تجاری به‌ارتباطات تخصصی وتعاونی تولید ، قبل از همه‌در عرصه ماشین سازی وایجاد واحد های مشترك ومجتمع های علمی‌ـ تولیدی را پیش بینی میکند .

رفقا ! مسئاله یی‌راکه باید درکوتاه‌ترین مدت حل کنیم ـ عبارت ازتامین کامل کشور از لحاظ موادارتزاقی میباشد . دراین جهت سیاست زراعتی معاصر حزب کهدر تصامیم پلینوم (می ۱۹۸۲) کمیته مرکزی ح.ك.ا.ش فورمولبندی شده، سمت یافته است. بعد از اتخاذ این تصمیم بمنظور رشد بنیه مادی ـتخنیکی‌زراعت وعرصه های مربوط به آنها کارهای زیادی انجام یافته‌است اقتصاد کلخوز هاوسفخوزها، موسسات بین‌الاقتصاد و موسسات تولید دست دوم، تحکیم یافته است . مثمریت زمین داری ومالداری افزایش کسب نموده‌است . حرکت‌به جلو وجود دارد . اما محوعقب مانی زراعت به کندی انجام می‌پذیرد . در سکتور زراعت به دگرگونی های قطعی نیاز است تادر دوازدهمین پلان پنج ساله تا مینات ارتزاقی به طور قابل ملاحظه بهبود یابد.» پیشبینی میگردد تا آهنگ رشد محصولات‌زراعتی از دومرتبه‌هم بیشتر گردد ، ازدیاد قابل ملاحظه استفادهٔ سرانه نسبت به گوشت ، شیر، سبزیجات و میوه‌جات برای هر فرد تامین گردد.

میتوانیم و مکلف هستیم. حزب به‌این منظور تدابیر اضافی را جهت ارتقای سطح موثریت کلیه عرصه های مجتمع زراعت ـ صنعتی اتخاذ نموده‌است .

ماهیت امر در آنست تاشرایط اجتماعی ـاقتصادی رادرروستاها دگرگون سازیم،وشرایط رابرای انتانسیف سازی که متضمن تولیدات موادارتزاقی است، تغییر دهیم . در اینجا فشار بر شیوه های اقتصادی اداره ،گسترش استقلالیت و ارتقاء سطح مسوولیت کلخوزها وسفخوزها نسبت به نتایج فعالیت شان وارد می‌گردد.

نزدیکترین منبع تکمیل فوند ارتزاقی کاهش‌ضایعات محصولات در موقع برداشت شان از مزارع و فارمها،انتقال جمع آوری حفاظت‌وآماده‌سازی آنست .

اما کاملا واضح است که عمده ترین محرك وروح ترقی، انسان است و خواهدبود .

امروز برای زراعت به چنان افرادی ضرورت است ، که‌با شوروعلاقمندی وفعالیت بی مانند ، مهارت عالی تخصصی وابتکار ونو آوری کار کنند ،عمده ترین ضامن پیروزی های ماموافظبت دایمی از شرایط کار و معیشت‌زحمت‌کشان زراعتی است .

در سکتور زراعتی تکمیل گذار ،به میتود های جدیدادارهٔ‌زراعت‌هم‌مطرح‌است

برای کلخوز هاوسفخوز ها پلانهای ثابت وبلاتغییر خرید مواد ارتزاقی برای هر سال پلان پنج‌ساله تعین میگردد . در حین زمان محصولات‌اضافه پلان ومقدارقابل ملاحظه کچالو، میوه جات و سبزیجات و محصولات پلانی به اساس صلاح دید خود آنها ، مورد استفاده قرار گرفته میتواند.

موسسات زراعتی میتوانند این محصولات را هم بالای دولت یا بشکل اولی وتغییر یافته آن از طریق مغازه های کوپراتیفی بفروش رسانیده و یابمقاصد دیگر منجمله برای استفاده شخصی خودویاموسسه مربوطه بمصرف رسانند .

۳ ـ رهبری اقتصاددرسطح مطالبات جدید :

رفقا! حل‌وظایف نوین در اقتصاد بدون باز سازی عمیق میکانیزم اقتصادی ، ایجاد سیستم مکمل ،مثمر وانعطاف پذیر اداره، که تحقق کامل امکانات سوسیالیزم اجازه میدهد ، ناممکن است .

واضح است ، که اداره اقتصادی مستلزم تکمیل دایمی است . ولی اکنون‌وضع طوری است ، که نمیتوان‌با بهبود قسمی محدود شد،درین زمینه اصلاحات اساسی‌ضرور است .مفهوم آن چنین است که‌تمام تولیدات مادر عرصه عمل به نیاز مندی‌های‌اجتماعی ورفع نیاز مندی های مردم درعمل تابع همدیگر گردیده وادارهٔ را درجهت ارتقای موثریت، کیفیت ، تسریع‌ترقی علمی ـ تخنیکی ، رشد علاقه‌مندی کار مندان در نتایج کار شان ،ابتکارات و ایجادگری سوسیالیستی در هر حلقات اقتصاد ملی ، قبل از همه در کلکتیف‌های‌زحمتکشان سوق داده‌شود .

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی وبیروی سیاسی آن جهات اساسی باز سازی میکانیزم اقتصادی راتعیین نمودند . چنین وظایف **رادر برابرخویش قرار میدهیم.**

ارتقای موثریت رهبری متمرکز اقتصاد ، تقویت‌نقش مرکز در **تحقق اهداف اساسی ستراتیژی اقتصادی حزب ، تعیین آهنگ رشد وتناسب اقتصاد ملی وبیلانس آن‌همزمان باآن باید پراتیك مداخله مرکز در فعالیت های‌پراتیفی حلقات پائینی اقتصادی رفع گردد.**

ـ توسعه قاطعانه مرزهای دوایر و استقلالیت موسسات ، ارتقای مسوولیت شان در قبال دستیابی بر نتایج نهایی عالی، برای این امر باید آنها را به تصدیهای‌واقعی‌دولتی‌خودکفایت‌در آورده وسطح عواید کلکتیف‌هارادروابستگی‌مستقیم بمثمریت کار عیار ساخت.

ـگذار به میتود های اقتصادی رهبری بر همه سطوح **که برای این امر باید تجهیزات مادی ـ تخنیکی را باز سازی نموده و سیستم** تعیین قیم ،تمویل وکریدت راتکمیل نموده و انگیزه های موثر جلوگیری ازضایعات راطرح نمود .

ـ تعبیه اداره ساختار تشکیلاتی **معاصر بادرنظرداشت گرایشهای متمرکز ، تخصصی‌وکوپراتیفی** نمودن تولید . مسئاله‌بر سر ایجاد عرصه های مجتمع باهم مرتبط ،مراکز علمی وتخنیکی بین الشعبوی ، اشکال‌مختلف واحد های اقتصادی وموسسات تولیدی منطقوی میباشد .

ـ تامین در هم آمیزی ،مناسبت اداره عرصه ای و منطقوی اقتصاد ، رشدمجتمع اقتصادی و اجتماعی جماهیر ومناطق ، تنظیم روابط میان رشته های تولیدی .

ـ تحقق همه جانبه دموکراتیزه ساختن اداره،ارتقای نقش کلکتیف ها درآن ،تقویت کنترول ازپائین ،گزارشدهی وعلنیت در کار ارگانهای اقتصادی .

رفقا ! بدون شك ، ما در مرحلهٔ کاملا جدی بازسازی میکانیزم اقتصادی سوسیالیستی قرار داریم. تحقق آن آغاز گردیده است .

موفقیت در زمینه مربوطه باز سازی فعالیت های ارگان های مرکزی اقتصادی وقبل از همه کمیته دولتی پلان گذاری اتحاد شوروی میباشد . این کمیته وظیفه دارد تا عملا به قرار گاه وسیع علمی ـ تخنیکی کشور تبدیل گردد . ازمسایل جاری اقتصادی‌آزاد ساخته شده است ، ما این کار را آغاز نموده ایم.

درین اواخر تاثیر مالی ـ کریدتی بر اقتصاد ضعیف گردیده است . سازماندهی وشیوه های کار ارگانهای‌مالی کریدتی را از ریشه تغییرداد. مهمترین وظیفه این ارگانها قید کردن‌جزییات فعالیت موسسات نبوده ،بلکه تشویق اقتصادی و تقویت گردش پولی خود کفایی است که در عین حال که بهترین کنترول کننده نیز میباشد . همه اینها باید در وابستگی به نتیجه نهایی قرار داده شود .

آلهٔ فعال سیاست اقتصادی واجتماعی باید نرخ ها باشد . تحقق باز سازی پلان شده سیستم قیمتها ،بمثابه یك کل واحد به سود تنظیم خودکفایی موثر ودر مطابقت باوظایف ارتقای عواید واقعی مردم مدر برابر ما قرار دارد .

سیستم تجهیزات مادی ـ تخنیکی مستلزم تکاملجدی است . این سیستم باید به میکانیزم‌اقتصادی‌انعطاف‌پذیر تبدیل‌گردد ،که‌به‌کارهماهنگ وثابت اقتصاد ملی کمك کند.

طوریکه ارزیابی نشان می دهد ، نتایج تجارب به عمل آمده میتوانست به‌مراتب بهتر باشد اگر از یکجا نب این تجارب باباز سازی کار وزارت ها و دوایر مرکزی اقتصادی رشتوی که بطور سابق‌مساعی در جهت‌محدود ساختن حقوق موسسات را مجال نمیدهد ،مطابقت‌داشته باشد و از سوی دیگر انگیزه های افزایش موثریت به همه واحد ها ، بریگاد ها و کار گران رسانیده شود . به این امر باید توجه خاص معطوف گردد .

بالاخره وقت‌آن رسیده‌است که به‌تجربه حمایتگری جزیی موسسات از جانب وزارت‌ها وادارات خاتمه داده شود ، وزارت ها در فعالیت خودبابد توجه خویش رابه مسایل سیاست تخنیکی ، تناسب درونی رشته ها ، برآوردن مطالبات اقتصاد ملی درقسمت محصولات دارای کیفیت عالی رشته های‌خود متمرکزسازند. باید به موسسات و سازمان ها حق فروش مستقلانه محصولات مازاد پلان بدون استفاده مواد خام ومواد، تجهیزات و امثال آنرا داد.

مشکل است به نقش‌نورماتیفهای اقتصادی کم بهاداد بادرك شرایطعرحلهٔ‌پلان‌شدهـ وظیفه درزمینه عرصه محصولات،قیم ،انتقال‌سود به‌بودجه، نور ماتیفهای مزد وفوند های اقتصادی تشویق، کلکتیفهای موسسات میتوانند بصورت بی‌هراس ،ذخایررا نمایانده، پلانها یی راکه متضمن‌آهنگ عالی تولید وارتقای قابل ملاحظه موثریت آن میباشد، مطرح سازند .

برماست تا علاقمندی زحمتکشان را در امر استفاده بهتر وافزایش ثروت ملی ارتقا بخشیم . چگو نه میتوان این وظیفه را انجام داد ؟ ساده لوحانه خواهد بود اگر فکر شود که گویا احساس مالك را میتوان با کلمات پرورش داد . مناسبات نسبت به مالکیت قبل از همه بوسیله آن شرایط و امکانات واقعی که بشر درآن قرار دارد و برسازماندهی تولید ، توزیع و استفاده از نتایج کار تاثیر مینمایند تشکل می یابد . بدین‌ترتیب مساله برسر تعمیق هرچه بیشتر خود گردانی سوسیالیستی در اقتصاد میباشد .

نقش کلکتیف های کار را بایددر امر استفاده ازمالکیت اجتماعی قاطعانه ارتقاء بخشید . مهم آنست تا اصلی که مطابق آن موسسات وواحد های اقتصادی کاملا جوابگوی کار بی زیان خود باشد ، به صورت بلاانحراف در عمل پیاده گردد . و دولت در قبال تعهدات شان مسوولیت ندارد . ماهیت خودکفایی درست در همین امر نهفته است . نمی توان مالك کشور بود ، در صورتیکه مالك واقعی در کار خانه، ویا کالخوز ، در شاپ ویا در مزرعهٔ خویش نباشیم . کلکتیف‌زحمتکشان‌مکلف است تاجوابگوی همه امور بوده ، متوجه افزایش ثروت‌اجتماعی باشد . فزونی آن ، مانند ضایعات باید در تسریع هرعضوکلکتیف‌تاثیر گذارد.

البته سپر مطمئن دربرابر کوشش ها در جهت بیرون کشیدن عواید غیر حاصله از کار از دارایی عامه لازم است گویا که ‹اختلاس گران›‌ما که دستبرد هر آنچه را که امکان ربودنش در موسسات میسر میگردد جنایت‌ندانسته از ارتکاب هرگونه جرایم دیگر نیز روگردان نیستندو سوء استفاده ، از موقف رسمی شان را عار نمی دانند ، تغییر نکرده اند . در برابر چنین مردم باید تمام نیروی قانون و کلیه قدرت محکم ساختن اجتماعی را متوجه سازیم .

این مالکیت مجموعهٔ امکانات خویشرا در تولید سوسیالیستی ورفع بهتر احتیاجات مردم صرف ننموده است . عدهٔ زیادی از کلخوز ها و دیگر سازمانهای کوپراتیفی‌از خود ادارهٔ مثمر امور را نشان میدهند در جایی که نیاز و احتیاج وجود دارد باید وسیعاً از تشکیل وانکشاف موسسات وسازمانهای کوپراتیفی حمایت شود . آنها باید در تولید وتولید مجدد محصولات ساختمان خانه های رهایشی وباغچه ودرعرصه خدمات معیشتی وتجارتی به طور وسیع ترویج گردند .

حرف برسر عوامل تشکیلاتی‌ـ اقتصادی و اجتماعی ،سایکالوژیکی، استفاده بهتر ازذخایر تولید ایجاد شده ، ارتقای موثریت تشویق کار ، تحکیم نظم و دسپلین و رفع‌عدم‌توجه در مسایل اقتصادی میباشد. ماذخایر مربوط رادردست‌داریم

ج ـ جهات اساسی سیاست اجتماعی

رفقا ! مسایل سیاست اجتماعی و مواظبت ازانسان همیشه در محراق توجه حزب ما قرار داشته است .

عرصهٔ اجتماعی منافع طبقات و گروپهای اجتماعی، ملیت ها و اقوام ، روابط فرد و جامعه ، شرایط کار و زنده گی ، صحت واستراحت را احتوا میکند . فقط درهمین عرصه نتایج فعالیت اقتصادی که منافع حیاتی زحمتکشان را ابراز میدارد اهداف عالی سوسیالیزم را احتوامی نماید.

فقط در همین جاست که خصلت بشر دوستانه نظام سوسیالیستی و تفاوت‌کیفی آن در برابر سرمایه داری به صورت‌ وسیع و روشن بر ملا میشود .

سوسیالیزم منبع اصلی‌بی عدالتی اجتماعی یعنی استثمار انسان توسط‌انسان را در رابطه با وسایل تولید از بین برد . عدالت اجتماعی تمام جهات مناسبات‌اجتماعی سوسیالیستی را احتوا می نماید . عدالت اجتماعی در حاکمیت واقعی خلق و برابری تمام مردم در برابر قانون ، در تساوی واقعی حقوق ملت‌ها ، احترام به شخص ، ایجاد شرایط برای تکامل همه جانبه شخص تجسم می یابد . تامین کار ، دسترسی به تحصیل ، فرهنگ ، خدمات طبی مسکن ، مواظبت ازسالخورده گان ، طفل و مادرعبارت از تضمین وسیع اجتماعی‌می باشد . تحقق جدی عدالت اجتماعی شرط عمده وحدت مردم ، پایداری سیاسی جامعه و تحرك انکشاف و تکامل است .

۱ ـ ارتقای بلا وقفه سطح زندگی مردم ، تحقق پیگیر عدالت اجتماعی .

در پلانهای آینده‌انکشاف اجتماعی و اقتصادی‌کشور در نظر است که رفاهیت‌مردم به سطح نوین کیفی ارتقا یابد. حجم منابع درپانزده سال آینده غرض بهتر شدن شرایط زنده‌گی دو مرتبه افزایش میابد . در آمد های‌اساسی برای هر فرد از اهالی کشور از ۱ر۶ تا۸ر۱ مرتبه بلند برده می شود . در پنج ساله دوازده هم عواید ملیونها نفر ارتقا میابد.وجوه بزرگی جهت توسعهٔ ساختمان عمارات رهایشی ، فرهنگی اجتماعی ، اختصاص‌داده می شود . چنین است پلانها اما از موضوع عمده‌باید یاد آوری به عمل آورد وآن اینکه این پلانها تنها زمانی عملی میگردد که هر فرداتحاد شوروی بدون در نظر گرفتن اینکه در کدام وظیفه کارگری کار می کند و یا به کدام‌مقام گماریده شده است به صورت فعال و ثمر بخش دراجرای آن شرکت ورزند .

آنچه را ما میسازیم ،آنرا خواهیم داشت . و به همان ترتیب زنده‌گی خواهیم‌کرد .

در پلان پنجساله جاری در نظر است تا سرعت‌هرچه بیشتر رشد تولید اشیای مورد نیاز و تعادل اموال پرچونی تامین گردیده ، سازماندهی تجارت و تغذیه اجتماعی بطور قابل ملاحظه بهبود یابد .

مطالبه میگردد تا هرچه سریعتر عرصه های‌معاصر خدمات ایجاد گردد . این باید جهت محو بی تناسبی های شدید میان تقاضابرای خدمات وعرضه آنها تدابیر جدی اتخاذ گردد و به‌نوبه اول‌درعرصه‌خدماتی، معیشت، رفاه و ترمیم اپارتمانها ، توریزم ، خدمات‌ترانسپورت شهری که‌تقاضا برای آنها به خصوص سریعا افزایش می یابد ارتباط دارد .

ماهیت اجتماعی و حاد بودن پرابلم مسکن عامل برخورد جدی ما نسبت به‌آن می‌باشد . تامین هرخانواده از لحاظ اپارتمان و یاخانه تا سال دو هزار خود يك وظیفه عظیم و قابل اجرا است .

رفقا ! پیشرفت های کیفی در عرصه اجتماعی بدون تحولات عمیق در محتوی کار ناممکن است . میخواهم خاطرنشان بسازم که پروسه تجهیز ساختمان تخنیکی اقتصاد ملی یعنی میکانیزه و اتوماتیزه،کامپیوتریزه ساختن آن باید هدف دقیق اجتماعی داشته‌و نقش اساسی را ایفا نماید ، در پنج ساله جاری درنظر است تا سهم کار دستی قاطعانه کاهش یافته و تا سال ۲۰۰۰ در عرصه تولید تا سطح۱۵ـ۲۰ فیصد پایین آید. ملیونها انسان از کار دستی فارغ خواهند شد . تحولات مزیدکار در شرایط انقلاب علمی و تخنیکی، آماده گی عالی مردم رادرعرصه تعلیمی و مسلکی میطلبد . و ماهیتا وظیفه ایجاد سیستم واحد تحصیلات دوامدار را دردستور روز قرار میدهد.

کمیته مرکزی درسالهای اخیر گامهای بس مهمی رادر این جهت برداشته است . رفورم درساحه تحصیلات عمومی و متوسط مسلکی آغاز یافته‌است. باید گفت‌که آهنگ وعمق تحقق تعلیمات و تطبیق تدابیررفورم پیشبینی‌شده ما راقناعت داده نمی تواند.منافع جامعه مستلزم ارتقای حیثیت کار انجنیری است .تجدید نظر در ساختار تحصیلات عالی و متوسط مسلکی ،تامین آماده گی تخصصی در سطح مطالبات معاصر، مستلزم فراگیری اساسات دانش تیوریك ودانش علمی و عملی می‌باشد .مناسبات متقابل مکاتب عالی ، متوسط مسلکی با رشته های اقتصاد ملی باید باز سازی شده، علاقمندی متقابل آنان در ارتقای سطح آموزش وتجدید تربیه کادر ها وبهبودبنیادی استفاده از آنها در تولید، تقویت گردد .

مواظبت جدی‌ازصحت‌مردم‌امر مهم‌ومبرم‌است .مساله‌صحت راما باید در تمام شرایط به‌طور وسیع‌از موضع‌اجتماعی بگیریم .نخست بر همه شرایط کارو معیشت ،سطح رفاه مردم و بالاخره البته اهمیت عظیمی را صحت عامه سراسری دارا می‌باشد.

مرفوع ساختن سریعتر ضروریات مردم درمورد معالجه، و قابه و کمکهای معالجوی بطور همگانی به پایه نیرو مند مادی ،تخنیکی صحت عامه و حل بسیار ی‌از مسایل نضج یافته علمی ، تشکیلاتی‌وکادری‌رانیاز دارد. پروژه های ساختمانی‌و موسسات تولیدی جدید و ساختمانهایی که مورد تجدید ساختمان قرار دارند عملی نگردیده و هنوزهم تصامیم کهنه مورد اجرا قرار می گیرد . از پروسه تکنالوژی که مواد فاضله نمیدهند ویا مقدار مواد فاضله آن کمتر است استفاده ضعیف به‌عمل میاید . در جریان تولید محصولات معادن قسمت اعظم مواد اولیه بدون‌استفاده مانده ازبین میرود . در این زمینه تدابیر هر چه قاطعتر اقتصادی ، حقوقی وتربیتی ضرور است . همه مادربرابر نسلهای آینده و تاریخ‌بخاطر حفظطبیعت جوابگو هستیم.

رفقا ! برای حزب مارکسیستی ـ لنینیستی تحلیل مسایل ملی بمناسبات بین طبقات و گروپ های‌اجتماعی حایز اهمیت حیاتی است. حزب کمونیست در سیاست عمومی خود منافع و خصوصیات طبقات و گروه های اجتماعی را جداً مد نظر می گیرد و وحدت مستحکم جامعه و حل موفقانهٔ مسایل با اهمیت و بغرنج آن راتامین می کند .

در جامعهٔ شوروی طبقهٔ کارگر مقام پیشاهنگی را احراز نموده است . طبقهٔ کارگر در پرتو موقف خویش در سیستم تولید سوسیالیستی ، تجربهٔ سیاسی ، آگاهی و سازمانیابی عالی ،جدیت در کار و در سیاست ، جامعهٔ ما را متحد می سازد و در تکمیل ساختمان سوسیالیزم واعمار کمونیزم نقش رهبری کننده را ایفاء مینماید . مواظبت دایمی از تحکیم اتحاد میان طبقهٔ کارگر ، دهقانان و روشنفکران ، سنگ پایهٔ سیاست حزب کمونیست اتحاد شوروی‌راتشکیل‌میدهد.

اما وحدت جامعهٔ سوسیالیستی به هیچوجه معنی صیقل سطحی زنده گی اجتماعی را ندارد .

سوسیالیزم کلیه منافع ، مطالبات و استعداد های ذیجوانب‌مردم‌رارشدمی‌دهدواز فعالیت های مبتکرانهٔ سازمانهای اجتماعی‌که‌انعکاس دهندهٔ‌تمام این جوانب است. پشتیبانی بعمل می آورد .

مسئله تحکیم خانواده نیز توجه محافل اجتماعی را جلب می کند . دست آورد های مادر ایجاد خانوادهٔ نوین سوسیالیستی تردیدناپذیر است . سوسیالیزم زنان‌را از ستم اقتصادی و اجتماعی آزاد ساخت و برای وی‌امکانات برابر با مردان را در زمینهٔ کار ، تحصیل و سهمگیری در زنده گی اجتماعی مهیا نمود . خانوادهٔ سوسیالیستی بر مبنای برابری کامل حقوق مردان و زنان ومسوولیت مساوی در برابر خانواده، استوار است .

اماایجادخانوادهٔ‌جدیدکارساده یی نیست .این امر يك‌پروسه بغرنج ودارای مسایل رشد شیوه تشکل زندگی سوسیالیستی بمعنی ایجاد امکانات حداکثر‌جهت‌تثبیت‌کلکتیویزم، یکپارچگی و افزایش فعالیت فرد میباشد .

حل بسیاری از مسایل خانواده گی ، چنان شرایط کاروزنده‌گی‌رابرای‌زنان‌ایجاد میکندکه امکان تلفیق موفقانه مادر بودن و شرکت در فعالیت های کارگری و اجتماعی را فراهم آورد . در پنجساله دوازده هم برای‌زنان روز کوتاه کار ، تقلیل هفته کار و کار در منزل به صورت وسیع‌در نظر گرفته شده است . مدت رخصتی با معاش برای مادران به خاطر مواظبت ازکودك تا يك و نیم سالگی آنها و همچنان در طی مدت مریضی کودك افزایش می یابد . به خانواده ها بیکه در آمدکمتر دارندبرای اطفال کمتر از سن ۱۲ سال مدد معاش تخصیص داده می شود . درسالهای نزد يك تامین کامل نیاز مندی های اهالی از لحاظ موسسات تربیتی برای کودکان قبل از سن مکتب روی دست گرفته می شود .

حلقه وسیع مسایل زنده‌گی‌جامعه‌اواردآورند.باید مواظبت از نسل سالخورده و سابقه دارا ن جنگ وکار ، مقام برجسته ای را در امور ما حایز باشد .

جامعه ارتقا یابد . در پنج ساله دوازده هم در نظراست که حداقل پرداخت تقاعد کارگران و کارمندان موسسات از نظر سن ، معیوبیت و بی سرپرستی و همچنان اندازه تقاعد قبلا تعیین شده کلخوزی ها افزایش یابد .

رفقا !برای دولت‌کثیرالملهٔ شوروی رشد مناسبات ملی دارای اهمیت بس عظیم است خلق شوروی از نظر کیفی بمثابه جمع نوین اجتماعی و انترناسیونالیستی وازنظر منافع اقتصادی وایدیولوژیکی واهداف سیاسی متحدوآبدیده عرض وجود نموده است .

اما دستاوردهای ما نباید تصور فقدان دشواریها را در عرصه پروسه های ملی ایجاد نماید .

در زمینه طرح جهات‌اساسی سیاست‌ملی برای‌آینده‌مواظبت از این مطلب که سهم تمام جمهوریهادرامر رشدکمپلکس واحد اقتصاد ملی با توانایی فزاینده اقتصادی و معنوی آنان تطابق نمائد، حایز اهمیت بخصوصی است !

ما به حق به دستاوردهای فرهنگ‌جهانی‌به مثابه‌پدیده افتخار مینمائیم. این فرهنگ غنای اشکال و رنگهای ملی را در خود جمع نموده، در فرهنگ جهانی به مثابه‌پدیده یی‌بی همتامبدل میشود. اما عمده اینست که علاقمندی سالم نسبت به‌کلیه ارزشهای هر يك از فرهنگهای ملی به تلاش جهت ایجادسد دربرابر پروسه عینی تاثیر متقابل‌و نزدیکی آنها مبدل نگردد .

عنعنات حزب ماکه آنرا‌ازلنین به ارث برده ایم در دقت و هوشیاری در قبال هر آنچه مربوط به سیاست ملی است وبه منافع هر ملیت و هرخلق و احساسات ملی مردم ارتباط میگیرد ودرعین زمان درمبارزه اصولی علیه مظاهر محدودیت ها و تکبر و خود نمائی های ملی، ناسیونالیزم وعظمت طلبی به هراسم ورسمی ودر هر لباسی که تبارز میکند، نهفته است .

ادامه دارد در شماره آینده

اخبار خارجی، واقعیت ها، حوادث

تفویض نشان ها

رفیق اندری گرومیکو عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی پریروز در کریملین نشانهای عالی دولتی آنکشور را به بعضی رهبران احزاب برادر که جهت اشتراك در بیست وهفتمین کنگرهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو توقف دارند تفویض نمود.

این مهمانان بپاس خدمات شان در مبارزه برای صلح دموکراسی و ترقی اجتماعی وسهمگیری عمده در تحکیم دوستی میان مردم اتحادشوروی ومردمان کشور هایشان بدریافت نشانهای مذکور نایل گردیده اند.

نشان لنین برای رفیق عزیز محمد منشی اول کمیته مرکزی حزب کمونیست‌عراق، ورفیق اتوس فاوا منشی عمومی حزب کمونیست ارجنتاین، نشان انقلاب اکتوبر به رفیق جورج دیل پرادو منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌کمونیست پیرو و نشان دوستی میان مردم به رفیق گیونو کوندو دیاس منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست برازیل، رفیق گی دانتی منشی عمومی حزب کمونیست گواد یلوپ و رفیق یوسف فیصل معاون منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه تفویض گردید.

رهبران احزاب برادر که نشان های اتحاد شوروی برایشان تفویض گردیده از کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، هیات رئیسه شورای عالی وحکومت اتحاد شوروی نسبت به این قدر دانی قلباً ابراز امتنان نمودند.

در محفل تفویض مدالها هیاتها ومهمانان خارجی بیست وهفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر مقامات شوروی شرکت ورزیده بودند.

باختر

راه‌پیمائی صلح

یکهزارو یکصد تن ازفعالین صلح ایالات متحده امریکا راه پیمایی ۹ماهه را از لاس‌انجلس به واشنگتن آغاز کردند.

آنها از سی وهفت شهر بزرگ، پانزده‌ایالت، مراکز صنعتی وقرای کوچك که درآن مردمان متمول واقشار زحمت کش بود وباش دارند، حومه های پر نفوس شهر ها، ساحات فابریکات و موسسات و محوطه های موسسات تعلیمی خواهند گذشت.

شعار این راه پیمائی‌بزرگ صلح طوریکه مدافعین صلح‌ایالات متحده‌امریکا ابراز داشته اند. امحای تسلیحات ذروی میباشد.

در میان مارش کننده گان صدها اشخاص دارای نظریات مختلف سیاسی وجود دارند که با آرزومندی مشترك برای خاتمه بخشیدن مسابقات تسلیحات ذروی ومجبور ساختن اداره ایالات متحده‌امریکا برای اتخاذ اقدامات مشترك در جهت خلع سلاح متحد شده اند.

باختر

تحت نظر هیأت تحریر
مدیر مسئول: صدیق کاوون

برنامه اتحاد شوروی برای تأمین صلح وامنیت

برنامه‌شوروی برای تامین صلح و امنیت موضوع کنفرانس مطبوعاتی بود که روز جمعه در مرکز مطبوعاتی کنگرهٔ بیست و هفت حزب کمونیست اتحاد شوروی دایر شد.

سخنرانان در کنفرانس مطبوعاتی عبارت بود ند از: گورگی کورنینکو معاون اول وزیر امور خارجه اتحاد شوروی، مارشال اتحاد شوروی سرگی اخرومیوف لوی درستیز نیروهای‌مسلح ومعاون اول وزیر دفاع اتحاد شوروی و لیونید زیمیانین مسوول شعبه اطلاعات بین المللی کمیته مرکزی حزب‌کمونیست اتحاد شوروی.

گورگی کورنینکو معاون اول وزیر امور خارجه اتحادشوروی‌گفت: مسایل مربوط به سیاست خارجی حزب کمونیست و دولت شوروی در گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی‌که‌توسط رفیق‌میخائیل گرباچف منشی عمومی‌کمیته مرکزی حزب کمونیست‌اتحاد شوروی به کنگره ارایه شد و نیزدرجریان بحث روی این گزارش به تفصیل ارزیابی گردید. سنگ‌بنای‌فعالیت‌های سیاسی در عرصه سیاست خارجی سخنان لنین است که در متن جدید برنامه‌حزب کمونیست اتحادشوروی تاکید گردیده‌وآن اینکه اختلاف تاریخی بین دو سیستم مخالف در جهان میتوانند و باید ازطریق‌رقابت‌مسالمت‌آمیزحل شود نه از مجاری نظامی. از اینرو هدف عمده سیاست خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی همیشه این بوده و هست تا به خلق شوروی‌امکان کار در شرایط صلح پایدار را میسر سازد البته تنها خلق شوروی نی بلکه همه مردمان به صلح پر ثبات نیاز دارند صلح شرط لازمی پیشرفت اجتماعی بطور کل است و امروز حتی بیشتر از آن میباشد یعنی بقای بشر به آن ارتباط میگیرد.

اکنون که مردم به این‌نقطه آمده اند تا مجاری‌نابودی خودی را کنترول نمایند اتحادشوروی‌توقف‌آماده‌گی‌های مادی‌برای جنگ‌ذروی، جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی بروی زمین و ممانعت آن از گسترش به فضای خارجی را به حیث یك وظیفه خیلی‌ها مهم تلقی میکند و اینکه سلاح ذروی بطور کل تا ختم این قرن در همه جا نابود شود با تاسف پاسخی که از جانب امریکا در رابطه‌با برنامه پیشنهادی خلع سلاح اتحاد شوروی داده شد به هیچ وجه مثمر و سازنده تلقی‌شده نمیتواند بر عکس نشان میدهد که رهبری امریکا میخواهد مسابقه تسلیحاتی بروی زمین را ادامه دهد و به منظور کسب برتری نظامی آنرا به کیهان هم بکشانند.

افزایش مداوم سطح برخورد مسلحانه به هیچوجه طوریکه رئیس جمهور ریگن مدعی است راه صلح نمیباشد در صورتیکه ذخایر اسلحه افزایش یابد حتی اگر توازن به بهترین شکل آن حفظ شود نسبت به امنیت مادی خطر مساوی را دربر خواهد داشت در عصر مرمی های ذروی امنیت واقعی کشور ها صرف در صورتی ممکن است که امنیت همهٔ تامین باشد حتی در گذشته در روز گار بعد از جنگ و بعد از آن اتحاد شوروی بنظرات امنیت جمعی رجحان میداد اما امروز برمبنای باور عمیق ما این نه یك‌رجحان محض بلکه یگانه راه ممکن برای تامین صلح پایدار است.

این خود بیان میدارد چرا حزب ما مسالهٔ انکشاف فیکسیستم جامع امنیت بین المللی، اساسات نظامی سیاسی، اقتصادی و بشری‌را که در گزارش سیاسی‌ارایه شد مطرح ساخته است این اساسات میتوانند یکنقطه آغاز باشد و چارچوبی را برای مذاکره مستقیم و عادی بین رهبران کشور های جهان بطور دو جانبه و چند جانبه میسر سازد این نظر که رهبران پنج کشور اعضای دایمی شورای امنیت برای بحث روی اینکه برای حفظ و تقویت صلح چه چیزی شده میتوانند تشکیل جلسه دهند نیز در همین چار چوب ارایه شده است.

جواب رئیس جمهور ریگن به پیشنهادات شوروی و همچنان خطاب وی‌به ملت‌امریکا که دو روز قبل نشر شد و در حقیقت ضمیمه جواب وی است نشان میدهد که امریکا به سیاست خود همانند گذشته ادامه میدهد سیاستی که به قدرت نظامی بحیث وسیله حل مسایل عمده حق تقدم میدهد

همچنان لیونید زیمیانین درکنفرانس مطبوعاتی گفت: پیشنهادات ایالات متحدهٔ امریکابا در نظرداشت توضیحات اضافی هیات امریکا در ژنیو مطالعه شده‌است وی افزود: بطور کل هر کس با مقایسه دو بیانیهٔ اخیر ریگن گفته میتوانند که جواب امریکا به پیشنهادات شوروی سازنده نیست و در حقیقت در جهت مخالف پیشنهادات ارائه شده در اعلامیه تاریخی پانزدهم‌جنوری رفیق‌میخائیل گرباچف قرار داشته است.

ریگن هنگام ابراز تعهد خود به امحای سلاح ذروی کدام برنامهٔ مشخص رابرای رسیدن به‌این‌هدف ارائه‌نکرده است بر خلاف آن با محافظه کاری و ملاحظه کاری هاو شرایط گوناگون وی امکانات حل مسایل را صرف به وضع قدرت ارتباط داده است جواب امریکا حاوی یکحل مساله اساسی جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی در کیهان نمیباشد برنامه جنگ ستارگان‌حتمی‌اعلام‌شده و به همین علت موانع در راه انکشاف سلاح ضربتی کیهانی در یکموافقتنامه شامل شده نمیتوانند.

در مورد تسلیحات ذروی ستراتیژیك پیشنهادات سابقه امریکایی ها که اتحاد شوروی قبلا دررابطه با آن اظهار نظر کرده تجدید شده است در صورتیکه این پیشنهادات امریکا جامه عمل بپوشد امریکا بیش از دو چند تفوق در سر گلوله‌های ذروی کسب خواهد کرد درآن صورت اتحاد شوروی باید ساختار نیرو های ستراتیژیك‌ذروی خود را منحل ساخته و سر از نو آنرا به میل امریکا ترتیب نماید.

لیونید زیمیانین علاوه کرد که در ساحه راکت های میان برد به ما نظریه صفر پیشنهاد شده که اتحادشوروی آنرا قبلا بخاطر اینکه ایالات متحدهٔ امریکا را قادر میسازد آنچه را که بخواهد در تسلیحات خود حفظ کرده میتواند رد کرده است در حقیقت تفاوت میان نظر صفر جدید با نظر صفر سابقه ریگن چه خواهد بود؟

ایالات متحدهٔ امریکا بساده‌گی اکنون پیشنهادمینماید که میتواند برای سه سال دوام کند ولی ماهیت‌آن مثل سابق است یعنی دست یابی یکجانبه به امتیازات. ایالات متحدهٔ امریکا رسماً موقف منفی خود را در رابطه با منع ازمایشات سلاح ذروی با اتکا به این ادعا یعنی تا وقتی که سلاح ذروی بحیث عنصر باز دارنده باقی بماند امریکا به ازمایشات ذروی خود باید ادامه دهد ابراز نموده است. مشکل است‌حداقل یك نکته سازنده پیرامون سلاح کیمیاوی و همچنان راجع به کنفرانس های ویانا و ستکهلم در جواب امریکایی ها یافت. در پهلوی مساله امنیت عملاً‌بابحرانات منطقوی وبعضی از مسایل دیگر که‌به هیچ وجه به پرابلم ختم مسابقات تسلیحاتی و امحای سلاح ذروی ارتباط ندارندربط داده میشود.

این‌یك‌امر اشکاراست‌اگرامریکا بر این موقف یعنی چنین پیشنهادات غیر قابل قبول پافشاری میورزد این راه به جستجوی حل جامع منتهی نخواهد شد. بر خلاف آن‌این پیشنهادات مساله را به نقطهٔ خواهدرسانیدکه بیرون رفت ازآن مشکل‌خواهد بود.

گیورگی کورنینکو معاون اول وزیر امور خارجه اتحاد شوروی نیز یاداور شد که جواب امریکا هیچگونه کمکی در پیشرفت مذاکرات ژنیو نخواهد کرد. لوی درستیز قوای مسلح اتحاد شوروی ارقامی را که رئیس جمهور امریکا بتاریخ بیست و شش فبروری پیرامون مصارف‌نظامی اتحاد شوروی ابراز نموده بی معنی خواند طبق ارقام مذکور اتحاد شوروی در پانزده سال گذشته پنجاه فیصدبودجه خود را برای مقاصدنظامی بکار برده است.

وی گفت: این امر کاملا بی معنی است هیچ کشور نمیتواند چنین رقم در شصت‌بودجه را در زمان صلح برای مقاصد نظامی بمصرف برساند این یکمحاسبه غیر مسوولانه بوده و من نمیدانم مقصر آن کی است خودرئیس جمهور یا همکاران وی. مارشال اخرمیوف علاوه کرد که رئیس جمهور امریکا مدعی‌شده که‌اتحادشوروی‌بمقایسه امریکا پنج تانك ویازده چند توپدار دارد این محاسبه نیز غیر مسوولانه است هنگام صحبت روی اسلحه عادی هر کس باید نیرو های نظامی بین پیمان های ناتو ووارسا را مقایسه کند و این مقایسه با آنچه که رئیس جمهور ادعا نموده کاملا متفاوت میباشد تا جائیکه در مورد تعداد فرقه ها ارتباط میگیرد ارقام چنین است‌که‌پیمان‌ناتونودو چارفرقه و کشور های پیمان وارسا هفتادو هشت فرقه دارند در پهلوی آن تعداد افراد فرقه های پیمان ناتو نسبت به فرقه های پیمان وارسا بزرگتر است' و وقتی در مورد اتحاد شوروی وامریکا صحبت شود هر کس باید از همه اولتر ارقام پیرامون اسلحه ستراتیژیك را ارزیابی کند که به اعتراف خود پنتاگون تعادل قاطع وجود دارد بطور عموم ما فکر نمی کنیم که‌رئیس جمهور باید چنین محاسبات را در نظر داشته باشد مارشال اخرومیوف افزود که ما به نوبهٔ خود میتوانیم همینقدر بگوئیم که ایالات متحدهٔ امریکا پانزده کشتی طیارهٔ بردار دارد و ما هیچ نداریم.

همچنان این امر باید خاطر نشان گردد که یکهزار و پنجصد طیاره جنگی در آنها مستقر اند و حدود هشتصد آن قادر به حمل سلاح ذروی میباشند قدرت بحریه های امریکایی چارده چند است.

لیونید زیمیانین رئیس دفتر اطلاعات بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به جواب سوال خبرنگار نایجیریایی گفت ایالات متحدهٔ امریکا باوصف فشار افکار عامه باوجود تقاضای سیاستمداران‌اکثر کشور ها به درخواست‌اتحاد شوروی جهت پیوستن به مهلت ذروی همه انواع تسلیحات ذروی جواب مثبت نداده است.

اتحاد شوروی مهلت روی ازمایشات سلاح ذروی را چندین بار اعلام کرده است این مهلت بتاریخ شش اگست سال گذشته اعلام و بعداً بتاریخ پانزدهم جنوری بار دیگر تمدید یافت.

میعاد این مهلت بتاریخ سی‌ویکم مارچ تکمیل میشود اتحاد شوروی از تلاش های خود برای متقاعد ساختن جانب امریکا پیرامون اینکه این امریك اقدام واقعی درراه جلو گیری از عصری شدن بیشتر اسلحه ذروی وگشودن روند خلع سلاح ذروی بوده است دریغ نمی ورزد.

با وصف همه آن رئیس جمهور ریگن گفته تا زمانیکه سلاح ذروی موجود است امریکابه‌بهبودآن‌ادامه‌خواهد داد.

درین شرایط ضرورت ارزیابی مساله برای اتحاد شوروی تبارز میکند آیا ما میتوانیم با وصف آنکه سلاح ذروی امریکایی که متوجه ماست بهبود بیابد بطور یکجانبه آنرا به تعویق بیندازیم وزمانیکه در جریان آزمایشات حتی بعضی از عناصر و سلاح کیهانی امتحان میشود آیا ما میتوانیم مهلت روی ازمایشات ذروی خود‌راتا موعد نا معلوم تمدیدکنیم ما منافع امنیتی خود یا منافع متحدین خود را ازنظر دور داشته نمیتوانیم.

مارشال اخرومیوف گفت: جانب شوروی شناخت منافع امنیتی تمام کشور ها را بحیث یك پرنسیپ بلا تردید تلقی نموده به حاکمیت وعدم مداخله در امور داخلی دیگران احترام می گذارد.

ما پیشنهاد کرده ایم تا موافقتنامه ای روی عدم استفاده از قوه یا تهدید استفاده از آن بحیث یك اقدام غیر مجاز یك دولت یاگروپی از دولتها برای کسب‌امتیازات یکجانبه نظامی عقد گردد.

مارشال سرگی اخرومیوف اظهار نمود که این پیشنهاداز تربیون بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی باردیگر تایید شدکه برخورد منطقی آنست که چیزی راکه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران میسند وصرف باید امنیت مساوی جستجو گردد.

ایالات متحدهٔ امریکا راه دیگری رادنبال میکندد‌کتورین رسمی واشنگتن برانتقامجویی وارعاب استوار است این دوکتورین به‌مسابقهٔ‌تسلیحاتی منتهی شده ومشی تفوق جویی نظامی را تحقق می بخشد. این دوکتورین امنیت دولتها را تهدید کرده وواقعاً تمام جهانراگروگان ذروی میسازد.

درین کنفرانس مطبوعاتی گورگی کورنینکو معاون اول وزیر امورخارجه اتحادشوروی گفت: کسی نمیتواند کاملا بر قوه حساب کند این تنها از جانب بعضی از اشخاص در ایالات متحدهٔ امریکا صورت میگیرد به همین علت است که تلاش برای رسیدن به پیروزی در ساحهٔ خلع سلاح جهت عمده سیاست خارجی اتحاد شوروی میباشد که بطور زنده در اسناد کنگرهٔ بیست و هفتم حزب‌کمونیست اتحاد شوروی بیان شده‌است.

لیونیدزیمیانین‌گفت: اتحاد شوروی برای مذاکرات دیگر سران شوروی‌وامریکا، چنانچه رفیق‌میخائیل گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در گزارش سیاسی گفت که باید این مذاکرات واقعاً در جهت یك حل عملی پرابلمهای سیاسی صورت گیرد ونباید شکل پروتوکولی داشته‌باشد آماده است، اگر این مذاکرات برای انکشاف توافقات شامل اجندا و برای بر گردانیدن آنها‌به‌موافقتنامه های عملی سیاسی روی‌پرابلم های عمده نظامی و بین‌المللی باشد مادر هر زمان که‌شرایط مساعد برای آن فراهم گردد آماده‌گی داریم.

لیونید زیمیانین ابراز نمود بطور فشرده بگوییم که ما طرفدار مذاکرات سازنده هستیم اینست موقف ما درین زمینه.

گورگی کورنینکو اظهار نمودکه اتحاد شوروی طرفدار تلاشهای جمعی برای حل بحران شرقمیانه میباشد انکشافات اخیر در آن منطقه بیهوده‌گی معاملات جدا گانه راکه اتحاد شوروی علیه آن بار ها اخطارداده ثابت‌ساخت.

کورنینکو در جواب سوال یك خبر نگار کویتی ابراز نمود که اتحاد شوروی با سیاست عمومی خود روی شرق میانه بطور کل ومساله لبنان بطور خاص هر چیزی که امکان داشت بشمول‌تلاش ها در سازمان ملل متحدبرای تامین خروج کامل عساکر اسرائیلی از لبنان و همچنان سر زمینهای دیگر عربی‌دریغ نکرده است.

کورنینکو پیرامون توافق سه جانبه در لبنان گفت: ما قلباً خواهان ختم جنگ داخلی آنکشور میباشیم و میخواهیم یك لبنان متحد، مستقل و دارای تمامیت‌ارضی وجود داشته باشد، مامطمئن هستیم که کاملا به خود لبنان تعلق دارد تا راه عملی برای رسیدن به این هدف رابیابند.

همچنان مارشال اخرومیوف گفت: مسالهٔ راکت‌های‌میانبرد در منطقه اروپایی با وصف بیچیدگی آن نسبت به‌پرابلم راکت‌های میان برد در شرق ساده تر است بخاطری ساده تر است که سیستمهای میانبرد اتحاد شوروی‌وایالات متحدهٔ امریکا در منطقهٔ اروپا درمقابل هم قرار گرفته است همچنان سیستمهای مشابه از انگلستان و فرانسه نیز در آنجا متمرکز است.

در شرق مسالهٔ مشکلتر است در منطقهٔ بحر الکاهل، ایالات‌متحده‌هفت‌کشتی‌طیاره‌بردار را مستقر ساخته صریحاً گفته شده این‌کشتیها سه صدو پنجاه طیاره حامل سلاح ذروی را با فاصله پرواز یکهزار و پنجصدکیلو متر در خود جا داده است که قلمرو اتحاد شوروی را مورد تهدید قرار میدهد، طیارات ستراتیژیك امریکایی درگوام وسیستم های امریکایی در جاپان و جنوب کوریا نیز مستقر است.

اخرومیوف متذکر شد ما از جانب امریکا روی این مساله جز تقاضای اینکه این مساله باید همزمان با مساله منطقهٔ اروپا حل گردد چیز بیش نه شنیده ایم، ماموافقه داریم ولی بگذار در موردانیکه با سیستمهای‌امریکایی‌متمرکز در شرق دورچه باید کنیم تصمیم بگیریم تاکنون از جانب امریکا به آن کدام‌جواب وجود نداشته است.

کورنینکو اضافه کرد: مساله بر سمیت شناختن حکومت فعلی فلیپین تبارز نمیکند، اتحاد شوروی مناسبات خود را با فلیپین بحیث یك کشور حفظ کرده و میکند.

وی گفت: اتحاد شوروی عقیده دارد که تغییر حکومت در آنکشور مربوط مردم خود آنکشور است اتحاد شوروی همیشه بر ایجاد مناسبات بایك دولت نه با این یا آن حکومت تاکید میورزد و این به مردم تعلق دارد که کدام نوع حکومت را میخواهند.

مارشال اخرومیوف در مورد افغانستان گفت مداخله درامور داخلی این کشور گسترش می‌یابد، قبلامساعدت های خارجی به دسته عناصر ضد انقلاب افغانی به صد ها ملیون دالر رسیده و اکنون این رقم به ملیارد هامیرسد. ایالات متحدهٔ امریکا و بعضی از کشور های دیگر یك ونیم ملیارد دالر را طور مساعدت به عناصر ضد انقلاب افغانی به مصرف رسانیده اند ازاین پول عملا حدود یکصدو پنجاه باند تشکیل یافته و برای ایجاد کمپ های زیاد درقلمرو پاکستان جهت آموزش باندیتها که بعداً به افغانستان فرستاده میشوند مصرف‌شده است.

اتحاد شوروی قبلا اعلام داشته اگر مداخله در امور داخلی افغانستان قطع گردد واگر کشور های ذیعلاقه رسماً در زمینه تعهد بسپارند واگر عدم تکرار مداخله‌تضمین گردد قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی از افغانستان عودت خواهند کرد.

گورگی کورنینکو افزود: گزارش سیاسی کمیته‌مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی به بیست و هفتمین کنگرهٔ آن حزب واضحاً موضع‌اصولی مارا در مورد افغانستان مشخص می سازد.

تا جاییکه ما میدانیم‌مذاکرات روی حل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان بین افغانستان و پاکستان از طریق نمایندهٔ شخصی سر منشی ملل متحد تاکنون پیش رفته است، ولی در زمانیکه طرفین به پیشرفت بسوی مرحلهٔ نهایی این مذاکرات آغاز کردنددست آنهاییکه پیشرفت پاکستانرا به سوی یك حل سیاسی مانع میشوند نمودار شد.

باختر